

امپریالیسم آمریکا میکوشد تا جمهوری اسلامی ایران را به جنگ برادرکشی بکشانند

● حفظ و تامین آرامش و امنیت و مبارزه با فساد و درگیری و چالنازی- پیر شکل که پروژ کانسید و توفیق استانی است.

● ریاست جمهوری و مجاهدین خلق با بهره‌گیری سرپرست و قاطع حساب خود را از مجاهدین ایرانی جدا کنند.

صدمت‌ترین مشخصات این توطئه عظیم را تشکیل می‌دهند، که در روزهای اخیر هم‌عناصر آن‌ها را به صحنه آمده‌اند. یکی از مهمترین عناصر این توطئه بزرگ، تلاش برای سرکشانند مردم در مقیاس سراسر کشور به گریب درگیری و تشنج و ایجاد زمینه برای براندازی و برپا کردن جمهوری اسلامی ایران، تشنج انقلاب و در نهایت، مسخرنابودی است.

تیغه در صفحه ۲

است. هفتی در مرحله کوفی روی کار آوردن یک دولت معتدل و معتدل و میانه‌رو و یا بسنج دیگر، درستی از لیرالیا است. برای این منظور، امپریالیسم آمریکا و وابستگان و متحدان (آگاه یا ناآگاه) داخلی آن، تمامی نیروی خود را بکار گرفته‌اند. از وارد آوردن فشار اقتصادی، مالی و نظامی ناشی از جنگ تجارز کارانه رژیم صدام حسین، که با تمام قوا از آن حمایت می‌کنند، گرفته تا تلاش برای ایجاد تشنج و درگیری گسترده و بالنتجه برانداختن کربن قانون و سلب کامل امنیت و سرانجام سوق دادن کشور به سوی جنگ برادرکشی داخلی،

واقعه روز ۱۴ اسفندماه ۵۹ دانشگاه تهران، که به درگیری گسترده‌ای انجامید و فضای شهر را بکلی متشنج ساخت و پدنیال آن حوادث لایجان، که دو کشته بر جای نهاد و سپس گسترش تشنج در مشهد و برخی شهرهای دیگر، صرف‌نظر از کشف و تازی که بر جای گذاشت، نور روشنگرهای بر توطئه عظیمی ریخت که با تمام قوا توسط امپریالیسم آمریکا و وابستگان و متحدان (آگاه یا ناآگاه) داخلی آن، تدارک‌نشد و مراحل آن خود را میگذراند. این توطئه، همانگونه که بارها و بارها توسط مستخبران امپریالیسم آمریکا، بیان شده

کشاندن کارگران به اعتصاب و تحصن و درگیری، توطئه ضد انقلاب است

★ کارگران و زحمتکشان بی‌توفیق و مسئولیت انقلابی خود عمل میکنند و از توسل به محرمه‌های اعتصاب، تحصن و درگیری در محیط‌های کار خودداری و با تمام نیرو جلوگیری میکنند.

★ دولت نیز باید بوظیفه خود عمل کند و امر مهم مبارزه موثر و قاطع با گزانی و احتکار را چینی بگیرد.

فداانقلاب و محافل وابسته به آن در داخل کشور، توجه خاص خود را به ایجاد اعتصاب، تحصن و درگیری در واحدهای بزرگ صنعتی معطوف داشته‌اند. این توجه خاص پس از شکست فعالیت خرابکارانه آنها در واحدهای خدماتی، نظیر شرکت واحد اتوبوسرانی، صورت می‌گیرد. اخبار رسیده حاکیست که در ایجاد اعتصاب و تحصن، بویژه واحدهای بزرگ صنعتی منطقه جنوب تهران، در چاده قدیم کرج و ساوه، مورد نظر قرار گرفته است. هم‌اکنون در این ناحیه کارگران کارخانه شیشو گلز در حال اعتصابند؛ در کارخانه پتروخور تحریکات وسیعی در این زمینه در جریان است؛ یک واحد از کارخانه‌های کشت ملی، در پی حوادث چند روز گذشته، به اعتصاب ادامه می‌دهد. همچنین عوامل مبنی به ادامه تشنج در شرکت واحد اتوبوسرانی ناحیه جنوب دامن می‌زنند. طبیعی است که فداانقلاب در ایجاد اعتصاب و تحصن و درگیری در واحدهای بزرگ صنعتی روی تقابل ضعف جدی انگشت گذاشته است. عدم برداختن موقع دستورها (مثلا کارگران شرکت ساختمانی ۱۰۰ پنج ماه است حقوق دریافت نداشتند)، گزانی و تورم، زیان فاحشی به دستورها وارد ساخته و توانایی را از زحمتکشان سلیمین کند.

مسئله دریافت پاداش و سودبوره نیز با نزدیک شدن عید بهتری وضع، بویژه در واحدهای بزرگ صنعتی و خدماتی می‌افزاید زیرا درحالی، که کارگران محق به دریافت پاداش،

تیغه در صفحه ۸

نامه

مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۴۴۴
سه شنبه ۱۹ اسفند ۱۳۵۹، مطابق با
۳ جمادی الاول ۱۴۰۱ - ۱۵:۴۰ ریال

دولت انگلستان در توطئه نظامی آمریکا در خلیج فارس بر ضد انقلاب و جمهوری اسلامی ایران شرکت میکند

ماجراجویی‌های خود در خلیج فارس بکشانند، بی‌بهره و نازکی ندارد.

تیغه در صفحه ۲

خام‌مارگرت تاجر، نخست‌وزیر بریتانیا، نخستین سیاستمدار بزرگ کشور هم‌عناصر اروپایی باختری بود که پس از انتخاب ریگان به ریاست جمهوری ایالات متحده آمریکا، پدیسدار وی شناخت. ریشه این فاسولوت‌مستی را در چارچوب «مناسبات ویژه‌ای» باید جستجو کرد که آمریکا با برای «سرمعوی فروت و سلف کفر کتبه خود در سیاست‌تعماری و کراچگرانه بر خلق‌های مستبدانه جهان، لاف‌ل در حرفه قائل هستند.

اما، همانگونه که حتی خود مطبوعات یورژوایی بریتانیا در آستانه سفارت‌تاجم تاجر و ادار به اعتراض‌نشدند، دولت لندن اینک پیش از آنکه به عنوان مشاوره و اینستکن بحساب آید، نقش دکارگزار آن را بازی میکند. تاجم‌دینار اخیر

تئوید برژنف: جامعه شوروی، جامعه کار است، کار پر مضمون، جالب و خلاق

نیز موبد این اصطلاح، از پشتیبانی نخست‌وزیر بریتانیا از سیاست سرکوبگرانه ریگان علیه انقلابیون السالوادور و مراداری ایندو متحده امریالیستی از «خوتتای چایتکار سان‌سالوادور» که یکذریه، چچمگیر، ترین که بگذرد، دیدار و اینستکن، طوط تشکیل صباه چندملیتی غرب در «خلیج فارس» بود که «ایته» اینبار نیز در پس باصلاح دخل شوروی» و «تهدید کویسپ» ارائه شد.

این نخستین بار نیست که امپریالیسم آمریکا برای استمار مقاصد مداخله‌گرانه خود در خلیج فارس، دخل شوروی» و «تهدید کویسپ» را پیراهن نشان میکند. این نیز که دولت آمریکا میکوشد تا پای متحدان اروپای غربی خود را هم در

اینبار مهمات و یک هست دیدم‌یانی انقلاب و نیروهای ستیازرصد سلیمی، ضربات سنگینی بر بیگر دشمن وارد آمد.

بر اساس اعلامیه ۴۲۸ ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران، در روز شانزدهم اسفندماه، زرمندگان نیروی زمینی، مواضع قوای عراقی را در جبهه‌های میروان زیر آتش گرفتند و سه خودرو، دو بولنزر، چهار خیاره‌انداز، دو

خلایه آخرین بخش گزارش تولید برزقه، دیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی» و «کنگره یستو نشم این حزب را نظر خوانندگان نامه مردم» می‌رساند:

تئوید برژنف در این بخش از گزارش خود، رایج موضع اقتصادی کشور، تاجم جیرنامه پنجساله گذشته و وظایف آینده سخن گفت و وی اظهار داشت: «پیش از ۱۴۰ میلیون نفر از مردم شوروی در دست‌دربره‌یشتی نویس طرح کمیته مرکزی، که در آن مستهای اساسی یشتی اشتی اجتماعی و اقتصادی اتحاد شوروی برای سالهای ۱۹۸۵-۱۹۸۱ پس از آن تا سال ۱۹۹۰ منظور»

تیغه در صفحه ۲

سؤال از مجاهدین خلق

چرا در اجتماع روز ۱۴ اسفند ماه ۵۹ در دانشگاه تهران، که «سازمان مجاهدین خلق» هم‌رسا در آن شرکت کرده بود، ختی‌یک شمار علیه امپریالیسم آمریکا داده نشد؟

آیا «مجاهدین خلق» امپریالیسم آمریکا را دشمن اصلی مردم ایران و انقلاب ایران و جمهوری اسلامی ایران نمی‌دانند؟

توطئه‌گر داخلی، در اینجا هم آقای مهنس یازرگان آب تطییر بر دستهای خونین یاندهای چایتکار دربار، ایادی رنگارنگ امپریالیسم از قبیل «قائرها ریخت و حزب توده ایران» که بویژه از ۳۰ تیر ۱۳۳۱، علیرغم فیزیقانونی بودن، با اینکه زیر فشار انواع تعقیبات قرار داشت و صدها نفر از اعضای در زندان‌ها بودند، از دولت دکتر مصدق دفاع می‌کرد، فیرچمدار توطئه، دانست.

آقای مهنس یازرگان در اوج افترازی خود به حزب توده ایران، بر سخنان بالا افزود: «آنروز حزب توده بود که خیانت می‌کرد» (بمبوری اسلامی - ۱۶ اسفند ۵۹)

و لاید بخاطر همین «خیانت» بود که بعد از کودتاهم‌مستعد تودم‌ای‌ها را به جوچه اعلام بستند و گروه گروه به ساجیاسال‌ها و شکنجه‌گاه‌ها فرستادند و به «یازرگان‌ها» که «خیانت» نکرده بودند، اجازه دادند در راس کارخانه‌ها به «خدمت» ادامه بدهند! و اما از حق نکذردیم. آقای مهنس یازرگان، در کنار افتراهای

تیغه در صفحه ۲

بر اساس اعلامیه ۴۲۸ ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران: حمله نیروهای عراقی در جبهه ایلام دفع شد

در ادامه نبرد میان دلاوران انقلاب و نیروهای ستیازرصد سلیمی، ضربات سنگینی بر بیگر دشمن وارد آمد.

بر اساس اعلامیه ۴۲۸ ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران، در روز شانزدهم اسفندماه، زرمندگان نیروی زمینی، مواضع قوای عراقی را در جبهه‌های میروان زیر آتش گرفتند و سه خودرو، دو بولنزر، چهار خیاره‌انداز، دو

در فارس ضد انقلاب سازمان یافته دست اندر کار توطئه است

اکنون مدتی است که بعضی از واحدهای تولیدی و صنعتی استان فارس، آماج آشوبگری و تهم‌انگیزی فداانقلاب است. بنابر اخبار رسیده و موجود، توطئه‌گران با بخش شایعات گوناگون قصد دارند در کارخانه‌های بزرگ و واحدهای تولیدی صنعتی، اعتصاب و تحصن راه بیندازند. شواهد مختلفی در دست است که بر اقدامات تحریک و کارشکنانه عوامل فداانقلاب و عناصر لیرال، که در مراکز موسسات تولیدی لاه کرده‌اند، دلالت دارد.

فداانقلاب سازمان‌یافته، با هیاری عناصر طاقتوری و مائوئیستی‌های امریکائی از هته دوم اسفندماه دست به انتشار شایعاتی در کارخانجات پتروشیمی، پالایشگاه و واحدهای مختلف حمل و لوله و مخایرات زده‌اند.

در کارخانه پتروشیمی شایع کرده‌اند که: حق شیفت کارگران پتروشیمی شیراز از ماه آینده قطع خواهد شد.

در پالایشگاه شیراز تلاش می‌شود که با طرح حق پاداش و مسئله پاداش عیدی، زمینه را برای یک اعتصاب فراهم سازند.

در خطوط لوله و مخایرات فارس هم شایعات مشابهی بطور وسیع برای انداخته‌اند. بدینسان فداانقلاب میکوشد در این

تیغه در صفحه ۲

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

امپریالیسم آمریکا میکوشد ...

پتی از صفحه ۱

توطئه گران قبل از هر چیز یکلی امپریالیسم آمریکا مبارزه با این شیطان بزرگ - دشمن اصلی مردم ایران را، که شماره نهادهاند و مبارزه را به آماجهای انحرافی، متوجه ساخته‌اند. خطل موهوم توده‌ها و «خطر شوروی» که از جانب دستکاهای تبلیغاتی امپریالیستی مطرح شده‌اند، در این حوادث بجای خطر واقعی و جدی امپریالیسم آمریکا، تنسسته. سازمان‌دهندگان توطئه‌های اخیر همچنین نهایت تلاش خود را به خرج دادند تا صحنه کشور را به رویارویی نیروهای انقلابی و مسئولان علیه یکدیگر سازند و یکسانند و بویژه با پنهان شدن در پشت سر رئیس جمهور و بیبانه حمایت از او، نهادهای انقلابی را، که عمده‌ترین نیرو-های حافظ انقلاب هستند، به باد حملات گردند. توطئه گران در این کار از «مجاهدین خلق» نیز، که بدام آنها افتاده و یککلی امپریالیسم آمریکا را به فراموشی سپرده‌اند، بهره گرفتند.

هدف دیگر حوادث اخیر که در راستای ایجاد بحران سراسری در نظام جمهوری اسلامی بعمل آمده سلب کامل امنیت و نقض ختن و سرچ قانن اساسی است. توطئه گران بهر وسیله و هر بیبانه بر تشنج دامن زدن درگیری آفرینند و زیر ناچمه کس و هم‌چیز، بویژه بیبانه حمایت از رئیس جمهور، به همه چیز و همه‌کس حمله کردند.

زمانیکه این سه هدف دراز خود به نتیجه برسد، یعنی زمانیکه فام امپریالیسم آمریکا یککلی از آماج توجه نیروهای انقلاب خارج شود و بیجایش

آماجهای فرعی و انحرافی ریشته‌نیزه‌های انقلابی و مسئولین در مقابل یکدیگر قرار گیرد و از درون نیروهای پیرودهی اسلامی، جبهه‌های متعدد سر برآورد و سرانجام فقدان امنیت قضائی و نقض مکرر قانون، اعتماد مردم را سلب و بجای آن بدبینی، خشنکی و بی‌تفاوتی بنشانند، باید گفت که تنها امپریالیسم آمریکا و ضدانقلاب پیرودهی اش شادکم خواهند بود و انقلاب را خطر جدی شکست و انهدام تهدید خواهد کرد.

مجریان توطئه هفتم آمریکا چه کسانی هستند؟

فرکیب نیروهای که توطئه‌های اخیر را پدید آورده‌اند و بدان دامن میزنند، عبارتند از: ضد-انقلاب سازمان‌یافته، عوامل ساواک، که یافاری هستند و یا رها از کنترل و مجازات، در میان مردم پنهان شده‌اند، لیبرالها، مائوئیستهای آمریکائی، کلان-سرمایه‌داران و بزرگ مالکان، متاسفانه برخی از نیروها و عناصر فریب‌خورده‌ای که جای واقعی آنها در این جبهه نیستند مانند «مجاهدین خلق» نیز، عملا در دام جبهه براندازی افتاده‌اند و با کمال تاسف و تعجب نگرانی، رئیس جمهور نیز هنوز توانسته است خود را از این جبهه جدا کند.

تمامی عناصر اصلی این جبهه متحد براندازی، در دو سال گذشته و در آزمونهای متعدد دشمنی کین‌توزانه و سازش‌طلبانه خود را با انقلاب، تمیق آن و دستاوردهای آن، آشکار ساخته‌اند:

از ضدانقلاب سازمان یافته و ساواکیها، که با نفوذ مخرب در همه ارگانهای جمهوری اسلامی نیز در شکل گروههای متشکل و مخفی و مسلح در دو سال اخیر آمادگی خود را برای اجرای هر توطئه براندازی امپریالیسم آمریکا نشان داده‌اند گرفته، تا لیبرالها و مائوئیستهای آمریکائی، که تمام نیروی خود را برای منحرف کردن شعار اصلی انقلاب ایران علیه شیطان بزرگ یکسار انداخته‌اند، به تفرقه‌افکنی دامن زده‌اند و با حادثه‌آفرینی‌های متعدد، درگیری و تشنج را پدید آورده و آنرا پیوسته شدت بخشیده‌اند. از کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان که از یکطرف توطئه گران را از نظر مالی تامین و تقویت و پشتیبانی کرده و از طرف دیگر علیه خواستهای بحق مردم زحمتکش و بویژه در جهت و تخیم کردن وضع معیشتی آنها، توطئه کرده و برای ایجاد بحران اقتصادی کوشیده‌اند، همه و همه، متحد در عمل، به تحقق توطئه هفتم آمریکا یاری میرسانند.

در اینجا باید افزود که انحصار طلبی‌ها، قشری‌گریها، ندامت‌کاریها، زیاده‌رویها و اشتباهات برخی از نیروها در خاکسختی انقلابی، سرعت مورد سوء استفاده جبهه براندازی واقع شده است و میشود و تلاش برای ایجاد بدبینی و ناراضی‌د میان مردم بر اساس سوء استفاده از راه فعالیت و زیاده‌رویها، از راه فعالیت ستم و بیگیری نیروهای متشکله در این جبهه است.

چه باید کرد؟

گرچه جبهه براندازی دامن و وسیع و خطرناکی به توطئه‌های

دولت انگلستان ...

پتی از صفحه ۱

امپریالیسم ایالات متحده آمریکا، اینک بظاهریه بیبانه حفظ منافع حیاتی، خود در مقابل خطر کمونیسم و در واقع برای پیشبرد مقاصد تجاوزکارانه و تاراج‌گرانه خویش علیه جنبش‌های آزادی‌بخش منطقه، بویژه علیه خلق‌ها و انقلابیهای ایران، افغانستان و فلسطین، عظیم‌ترین سپاه مسلح خود را از دوران جنگ دوم جهانی تاکنون، در منطقه خلیج فارس متمرکز ساخته است. از سوی دیگر، بیدرتک پس از آغاز تجاوز داردمسته صدام حسین به جمهوری اسلامی ایران، گارتز از متحدان اروپای غربی خود و ژان خواست، که برای «تائین عبور آزاد از تنگه هرمز» به تشکیل «تارگانی مشترک» بپردازند.

شرکت بریتانیا در «سپاه چندملیتی غرب در خلیج فارس» دنباله منطقی اقدامات استیمنه‌جویانه دولت این کشور علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است.

دولت مارگارت تاچر از نخستین کشورهای عضو «سپاه اقتصادی اروپا» و «ناو» بود، که چه در گردهم‌آیی‌های این دو اتحادیه امپریالیستی و چه در سازمان ملل متحد، از صیبه براندازانه تحریم اقتصادی امپریالیسم آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران پشتیبانی فعال کرد.

تجاوز نظامی نافرجام طیس» را مورد تائید قرار داد و از شکست آن ابراز تاسف کرد.

پس از تجاوز داردمسته صدام حسین به ایران، بنا به توصیه دولت آمریکا و پایبای آلمان

فرعی و قرانسه، حضور نظامی خود را در منطقه خلیج فارس گسترش داد.

به تبت از دولت آمریکا و بر پایه نمونه «سپاه واکنش سریع» بتاکون، تشکیل یک «ناوگروه جنگی عملیات سریع» برداخت. هدف این تارگرمه نیز «تائین عبور کشتی‌های بریتانیا از آبرام‌های خلیج فارس» توصیف شده است.

دیدار «ریگان - تاچر» بحق نگرانی و تازج‌ارخلفیای کشورهای منطقه خلیج فارس را برانگیخته است. رسانه‌های گروهی این کشورهای، از جمله برخی از «سپاه چندملیتی غرب» را در خلیج فارس، بمثابة تهدیدی جدی علیه استقلال و امنیت کشورهای منطقه و تازج‌ارخلفیای کشورهای امپریالیسم جهانی، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و بیاری فعال دولتهای امپریالیستی اروپای غربی، ارزیابی کرده‌اند.

این گام تش‌تزازانه «ضرب» هنگامی برداشته میشود، که دولت اتحاد شوروی، باردیگر، از زبان ثنویید پرژف، در بیست و ششمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی، «پیشنهادهای دلی» خود را درباره اقدامات مشخص در جهت تش‌تزدایی قوری و موثر تکرار کرد و تعیین داد.

وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران نه تنها وظیفه دارد که ادامه شرکت دولت بریتانیا را در صیبه‌های جنگ آفرینانه و تجاوزکارانه امپریالیسم آمریکا محکوم سازد بلکه شایسته است که در کوشش‌های بین‌المللی برای تبدیل منطقه خلیج فارس به منطقه صلح شرکت فعال داشته باشد.

آقای مهندس بازرگان ...

پتی از صفحه ۱

که به حزب توده ایران زده، یک واقعیت را هم درباره حزب توده ایران بیان کرده است:

«امروز هم اولین گروه که بر علیه دولت موقت مخالفت نمود و افتخاری کرد، حزب توده، نمایان خلق و چیرها بودند. (همانجا) آری، آقای مهندس بازرگان در اینجا درست گفته است: حزب توده ایران با سیاست دولت موقت مخالف بوده و هست. ولی این مخالفت جنبه شخصی ندارد و بر اساس پیشداوری نیست. این مخالفت بدلیل این است که دولت موقت لیبرالها، حسو با منافع امپریالیسم آمریکا، کلان‌سرمایه‌داران و بزرگ مالکان حرکت می‌کرد و سیاست ایران را باردیگر به عراده امپریالیسم بیند، سرمایه‌داری و بزرگ مالکی را حفظ کند، در یک کلمه انقلاب را منسوخ کند و جامعه‌ساق کن ضدانقلاب برای نابودی انقلاب باشد - یعنی سیاستی که هنوز هم لیبرالها آنرا ادامه میدهند. حزب توده ایران با هر نیروی که این سیاست را داشته باشد، مخالف بوده و هست و خواهد بود. بنابراین، این سیاست فزیر کانه آقای مهندس بازرگان، که ابتدا حزب توده ایران را حامل سقوطه دکتر مصدق می‌شمارد و بعد به بلافاصله آنرا به امروز وصل می‌کند، تا دولت موقت را ترسه کند و حزب توده ایران را بجای آمریکا زیر غرنه بگیرد، مثل آب در هاون کوبیدن بر نفس است. آخر عین سخنان ایشان را همین چند هفته پیش، از هفت تیر کش جدید کاخ سفید همه شنیدیم.»

سخن را خلاصه کنیم. آقای مهندس بازرگان! شما با این اقراها نمی‌توانید آبرفته را به‌جوی برگردانید. نمیتوانید سیاست سازشکارانه و تسلیم‌طلبانه دولت موقت را ترسه کنید. نمیتوانید سیاست لیبرالها را که جامعه‌ساق کن ضدانقلابند، توجیه کنید. لذا بهتر است بجای اقترازی به حزب توده ایران، پروتکل مذاکره با بزرگسالی را منتشر کنید، تا مردم خود به قضاوت بنشینند.

درفارس ضدانقلاب ...

پتی از صفحه ۱

واحدهای تولیدی و خدماتی، کارگران و کارکنان را به بیبانه تامین خواست‌های صنفی، رو در روی مسئولین دولتی و مراجع ذیصلاح قرار دهند.

در شهر شیراز کوششهای بعمل می‌آید تا قنودالها و خانهای مطرود استان متشکل شوند و با تشکیل باندهایی از قبیل «جسه کشاورزان استان فارس» تصمیماتی اتخاذ کنند و دهقانان بزمین و کزمین را زیر فشار قرار دهند و زمین‌هایی که توسط روستائیان زحمتکش کشت شده بزرگ از آنها بازپس بگیرند. نمونه این تشبثات زمین‌داران بزرگ و خانهای منطقه، وضع نهایت تشنج و خطرناکی بود که نزدیک بود در روستاهای داراب بوجود آید. دهقانان، که بدفاع از حقوق خود ایستاده بودند یا تهدیدهای بزرگ مالکان منطقه روبرو شدند، ولی با یاددینی نهادهای انقلابی داراب و مقامات مسئول آن شهر تشنج بطور موقت، فروکش کرد. در شهر شیراز، این او را، در مدارس نیز تشنج بیایی صورت میگردد و با درگیریهای روزانه، ضدانقلاب تمام کوشش خود را بکار میرد که محیط شهر را به آشوب بکشاند.

شهر شیراز، که محل اسکان گروه کثیری از هوطنان جنگ‌زده خوزستانی است و مقامات مسئول تلاش خود را برای حل مسائل آنها بکار می‌برند، این روزها، بر کار از دزگیریهای ضدانقلاب نیست، که میکوشند مسئله آوارگان جنگ‌زده را دستاویزی قرار دهد. گروهکهای چپ‌نسا و مائوئیست‌های آمریکائی یا بخش اعلامیه‌های متعدد در سطح شهر، بویژه در بین جنگ‌زدگان، به تحریک و تشنج مشغول‌اند. باندهای مسلح در خود شهر شیراز نیز لانه کرده‌اند و هر از گاهی دست به راه‌پندان و

غارت مسافرن، که به‌خارج از شیراز می‌روند و یا از شهرهای دیگر به شیراز می‌آیند، میزنند. نمونه‌های آن: حمله عمدهای مسلح و تائیدار (۱۴/۱۱/۵۹)، سحرگاهان به آتویومی که از ماهش به شیراز می‌آمد. در این حمله راهزنان پس از پیاده کردن مسافران و غارت پول و محتویات جیب آنها و زخمی کردن یک جوان و راننده آتویومی، گریختند. در جریان این حمله، یک پاسدار نیز بشدت مصروب شد. درست پیش از این حادثه، راهزنان درصدد برآمدند دو کامیون را غارت کنند.

واقعه ۱۵ یمن نیز، که هنگام بازگشت رئیس اداره تعاون روستا با اتفاق چند تن از پاسداران از فیروزآباد رخ داد و چندتن از جمله یک پاسدار و رئیس اداره توسط مهاجمین زخمی شدند، از جمله حوادثی است که توسط راهزنان و ضدانقلابیون مسلح برای ایجاد ناامنی و تشنج در استان صورت میگردد.

همه این حوادث نشان میدهد که مقامات مسئول برای ایجاد امنیت و مبارزه با ضدانقلاب سازمان‌یافته در استان فارس، باید به اقدامات جدی بپردازند.

نیروهای ضدانقلاب زیر پوشش‌های گوناگونی عمل می‌کنند. برای ضدانقلاب سازمان‌یافته، برآمدن انتصاب در کارخانه‌ها، ایجاد بلوا در سطح شهر، ایجاد ناامنی در جاده‌های میان شهرها، شایعه‌پراکنی‌های گوناگونی که امروز در سطح شهرهای استان رایج شده، اختلاف بین مقامات مسئول استان، تجیع قنودالهای استان و هزاران ترغندیکر، اهرم‌های مبارزه با انقلاب‌اند. این پایگاه اهریمنی امپریالیسم، بسرکردگی امریکائی چنانیکار، در تدارک مقدمات سرنگونی جمهوری اسلامی ایران و شکست انقلاب است. باید برای ختنی کردن اعمال آنها بطور جدی و بیکیک مبارزه کرد.

در جنگ عادلانه بر ضد رژیم صدام حسین و برای دفاع از میهن انقلابی، شرکت کنیم!

چند پرسش و پاسخ درباره السالوادور

«جبهه آزادی بخش ملی فارابوندو مارتی» از چه نیروهایی تشکیل میشود؟

در اوایل سالهای ۷۰ جنبش پارتیزانی وسیعی در السالوادور پدید آمد. در سال ۱۳۴۹ (۱۹۷۰) سازمان «نیروهای مسلح آزادی خلق فارابوندو مارتی» بنیان گذاشته شد، که بویژه بر بیروتاریهای روستایی تکیه داشت. ارتش انقلابی خلق در سال ۱۳۵۰ (۱۹۷۱) تأسیس یافت. این «ارتش» بخصوص با نظامیان و نیروهای مسلح مبارزه می کرد. «نیروهای مسلح مقاومت ملی» در سال ۱۳۵۴ (۱۹۷۵) بنیانگذاری شد و عملیات آن بیشتر متوجه شعله های کسرن های چند ملیتی بود.

گروه های نامبرده مدت ها هر یک برای خود می جنگیدند و تماسی پایداری با مردم و سازمان های توده های انقلابی نداشتند.

در زمستان سال ۱۳۵۸، «نیرو-های مقاومت ملی خلق»، «نیروهای مسلح آزادی بخش»، «نیروهای مسلح آزادی بخش»، یعنی بازوی مسلح حزب

کمونیست السالوادور، و «کمیته هماهنگی انقلابی» نخستین جبهه سازمان های مقاومت مسلحانه را پدید آوردند. این سازمان در اول خرداد ۱۳۵۹ (۲۲ مه ۱۹۸۰) بنیاد مشترک فرماندهی را زیر عنوان «رهبری مشترک انقلاب» (درو) پایه گذاشتند. در ۱۹ مهر ۱۳۵۹ (۱۱ اکتبر ۱۹۸۰)، با وحدت سازمانی چهار گردان مسلح مقاومت خلق، «جبهه آزادی بخش ملی فارابوندو مارتی» پدیدار شد.

پیش از دو ماه پیش، یک گروه پنجم نیز، بنام «حزب انقلابی زمینکنان آمریکای لاتین» به «جبهه آزادی بخش ملی فارابوندو مارتی» پیوست.

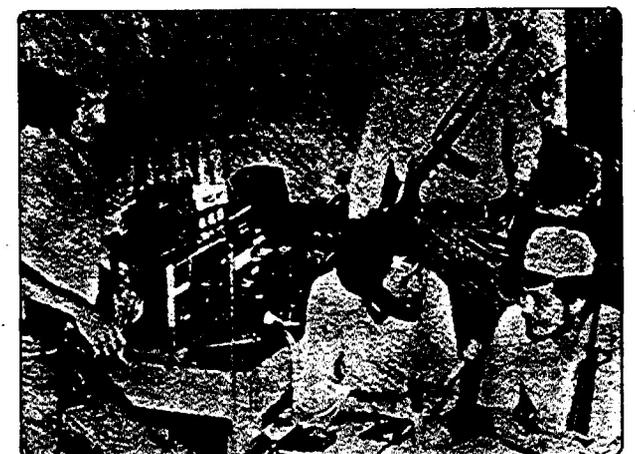
سیاسی پایه گذاشته شد. چهار سازمان نامبرده در ۲۲ دی ۱۳۵۸ (۱۲ ژانویه ۱۹۸۰)، «کمیته انقلابی هماهنگی توده ها» را تشکیل دادند، که در ۲۹ فروردین ۱۳۵۹ (۱۸ آوریل ۱۹۸۰) با سازمان بیروزیایی - رفرفمیستی «جبهه دمکراتیک متحد شد» و «جبهه دمکراتیک انقلابی» نام یافت.

هدفهای «جبهه دمکراتیک انقلابی» چیست؟

- ۱- یکس از اسناد دفتر اطلاعات «جبهه دمکراتیک انقلابی» هدف های «جبهه» را چنین توصیف می کند:
- ۱- استقلال ملی
- ۲- اصلاحات اجتماعی - اقتصادی بنیادی
- ۳- عدم تعهد
- ۴- شرکت زمینکنان در روند نوسازی دمکراتیک
- ۵- تأسیس نیروهای مسلح جدید
- ۶- پشتیبانی از کارفرمایان ملی
- ۷- آزادی دین

نقش حزب کمونیست السالوادور چیست؟

حزب کمونیست السالوادور پنجاه سال پیش (در سال ۱۹۳۰) پایه گذاری شد. این حزب در سراسر حیات خویش «غیرقانونی» باقی مانده است. حزب کمونیست السالوادور نقش بس ارزنده ای در پیدایش جبهه متحد خلق داشت. «حزب» با حفظ مواضع اصولی خود همواره اتحاد همه نیروهای خلقی و دمکراتیک را مد نظر داشته و در راه پیشبرد آن زحمتهای فراوانی کرده است. حزب کمونیست السالوادور توانسته است همه اشکال مبارزه را به بهترین گونه های با یکدیگر تلفیق بخشد. این حزب، از یکسو، از طریق «اتحادیه ملی - دمکراتیک» پایه «قانونی» برای کار وسیع توده های پدیدار و دو، از سوی دیگر، از راه «نیروهای مسلح آزادی بخش»، به «جبهه آزادی بخش ملی فارابوندو - مارتی» پیوست.



مرکز رادیوی «جبهه آزادی بخش ملی فارابوندو مارتی»

«جبهه دمکراتیک انقلابی» چگونه تشکیل شد؟

حیاتی ترین از کودتای نظامی پائیز ۱۳۵۸ (اکتبر ۱۹۷۹)، پایه ای نیرو-های مقاومت مسلحانه، سازمان های توده های دمکراتیک و انقلابی در السالوادور وجود داشت. مهم ترین آنها عبارت بودند از: «اتحادیه ملی - دمکراتیک» رهبر رهبری حزب کمونیست السالوادور، «بلوک انقلابی خلق»، که پنج سال پیش (۱۹۷۵) بر پایه اتحاد سازمان های سدیگایی - دهقانی و دانشجویی پدید آمد، «جبهه مبارزه متحد خلق» که شش سال پیش (۱۹۷۴) شکل شد و بویژه در میان کارگران صحنی نمود داشت، و «جامعه خلقی ۲۸ فوریه» که سه سال پیش (۱۹۷۷) پس از اتحاد سازمان های سدیگی و



آگوستین فارابوندو مارتی

ماربو آگوستادا (حزب کمونیست السالوادور) و آنا گودالویه مارتینز (ارتش انقلابی خلق) - از دیگر وظائف «کمسیون سیاسی - دیپلماتیک» می توان کوشش دیپلماتیک برای جلوگیری از دخالت مسلحانه از خارج را نام برد.

در رهبری ارتش چه میگذرد؟

ارتش، به عنوان ابزار حاکمیت الیکارشی، از امتیازات فوق العاده بهره مند می شود. «کانون افسران ارتش» وظیفه تأمین این حاکمیت و امتیازات را عهده دار است. در رهبری ارتش، مدتها میان جناح راستگرایان شبه فاشیست و جناح اصلاح طلبان رقابت شدید وجود داشت. در دولت دوآرته، سرهنگ گوتیرز و گارسیا (وزیر دفاع) نمایندگان جناح نخستین بودند. رهبر جناح اصلاح طلبان سرهنگ ماخانو، رئیس «نظامیان جوان» بود، که در سرنگونی ژنرال دیکتاتور رومرو، نقش مهمی داشت. وی برای آنکه سرهنگ گوتیرز را از پشتیبانی از رومرو باز دارد، وی را در کابینه خود شرکت داد. اما در حدود سه ماه پیش «بازها» از ماخانو سلب قدرت کردند و بدین ترتیب از قدرت جناح او پس گاستند.

«فارابوندو مارتی» که بود؟

آگوستین فارابوندو مارتی، ۸۷ سال پیش (۱۸۹۳) در توتومپک دیده به جهان گشود. وی، پس از پایان دبستان و دبیرستان، در «دانشگاه ملی» به تحصیل پرداخت. فارابوندو - مارتی بخاطر فعالیت های سیاسی مورد پیگرد قرار گرفت و در سال ۱۲۹۹ (۱۹۲۰) به دستور رئیس جمهور و به اتهام «شورش از کشور تبعید شد».

وی آنگاه به عنوان گروهی در ارتش مکزیک به خدمت پرداخت و در سال ۱۳۰۴ (۱۹۲۵) به السالوادور بازگشت و به تأسیس سندیکاهای انقلابی دست زد. مارتی یکی از بنیانگذاران حزب کمونیست السالوادور در سال ۱۳۰۹ (۱۹۳۰) بود.

فارابوندو مارتی مبین دوستی عمیقاً انترناسیونالیست بود. او زیر فرمان ژنرال توگوستو سزار سانچینو، قهرمان حماسه فرین نیکاراگوئه، در سپاه انقلابی خلق نیکاراگوئه (تاسیس ۱۳۰۶ = ۱۹۲۷) علیه مداخله ایالات متحده آمریکا جنگید. سانچینو، مارتی را بخاطر دلوری هایش به درجه سرهنگی ممتخر ساخت.

در سال ۱۳۱۱ (۱۹۳۲)، در آستانه سرخیز دهقانان در السالوادور، فارابوندو مارتی به مبین خودباختگی و به صفوف آنان پیوست. نظامیان السالوادور درست پیش از آغاز قیام مارتی و برخی دیگر از همزمان او را ربودند و در تاریخ ۱۲ بهمن (۱ فوریه ۱۹۳۲) در گورستان مرکزی سان - سالوادور تیرباران کردند.

برخی دانستنیها درباره السالوادور

نام رسمی: «جمهوری السالوادور» (جمهوری السالوادور). تاریخ استقلال: ۲۴ شهریور ۱۳۰۰ (برابر با ۱۵ سپتامبر ۱۸۲۱). این کشور پیش از آن مستعمره اسپانیا بود.

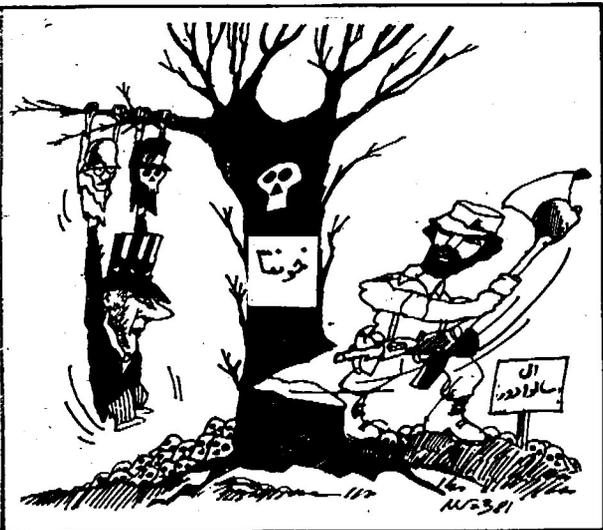
مساحت: ۲۱۰۴۱ کیلومتر مربع
جمعیت: ۴/۷ میلیون نفر (۱۳۵۹). ۴۲/۶ درصد سکه در شهرها زندگی می کند.

پایتخت: سان - سالوادور (۸۰۰ هزار نفر).
دیگر شهرهای عمده: سانتا آنا (۱۸۰ هزار نفر)، سان میگل (۱۰۸ هزار - نفر)، میخیکائوس (۵۵ هزار نفر).

زبان: اسپانیولی.
برخی شاخص های اجتماعی، بیسوادی: ۲۳ درصد
شماره افراد به نسبت یک پزشک: ۳۵۹۲
انتظار عمر: ۵۶ سال
شماره ماشین سواری برای هر هزار شهروند: ۱۱
شماره تلویزیون برای هر هزار شهروند: ۳۳

وضع اقتصادی - اجتماعی: کشور کشاورزی - صنعتی سرمایه داری و عقب افتاده
تنها محصولات عمده: قهوه و پنبه
شماره زمینکنان: ۱/۲۸۷ میلیون نفر
کشاورزی: ۴۷/۲ درصد در کشاورزی، ۱۰ درصد در صنایع تبدیلی
فراورد منابع و مواد اجتماعی سرانه: ۶۰۰ دلار
تقسیم زمین: ۱/۵ درصد اهالی ۴۹/۴ درصد اراضی کشاورزی را در اختیار دارند.

مهم ترین فراورده های صادراتی: قهوه (۵۲ درصد صادرات)، پنبه (۱۱/۹ درصد صادرات)، فراورده های صنایع تبدیلی (۱۱ درصد صادرات).



«خوزه ناپلئون دوآرته» کیست؟

دوآرته در سال های نخست «حزب دمکرات مسیحی» را بنیان نهاد. وی هشت سال پیش (۱۹۷۲) با برنامه اصلاحات اجتماعی خود در انتخابات ریاست جمهوری پیروز شد. اما نظامیان او را مجبور کردند که کشور را ترک گوید. دوآرته پس از کودتای پائیز ۱۳۵۸ (اکتبر ۱۹۷۹) از تبعید و زوروشلا به مبین بازگشت. هنگامی که اعضای غیرنظامی «خونتا» (از جمله اونگوس، صدر کمونیستی «جبهه دمکراتیک انقلابی» و سلف مقتول او، آلوارس کوردوبا) استعفا کردند، او و اعضای حزب او به کمک «خونتا» شتافتند و هموزن ارتجاع افزودند. پسر، از استعفا دادا هیرسی از «خونتا» در رهبری حزب دمکرات مسیحی انشباع شد و اکثریت اعضای حزب به «جبهه دمکراتیک انقلابی» پیوستند. دوآرته ۵۴ ساله در «خونتا» ماند و مقام «ریاست جمهوری» را از نظامیان «یاداش» گرفت. دوآرته اکنون بیش از غروییکی در دست نظامیان نیست.

«دکتر گیلرو مانوئل اونگو» کیست؟

پس از آنکه همهمبران «جبهه دمکراتیک انقلابی»، از جمله نریکه - آلوارس کوردوبا، صدر «جبهه» در روز

۲۶ آذر ۱۳۵۹ (۲۷ نوامبر ۱۹۸۰) از سوی راستگرایان افراطی بقتل رسیدند، گیلرو مانوئل اونگو در ۱۳ دی ۱۳۵۹ (۳ ژانویه ۱۹۸۱) به ریاست «جبهه دمکراتیک انقلابی» برگزیده شد. دکتر اونگو دبیرکل «جنبش ملی - انقلابی» است که حزبی سوسیال دمکرات، ولی در مقایسه با احزاب مشابه در اروپای غربی بسیار مترقی است. وی تحصیلات خود را در «اونیورسیداد سنترو آمریکا» به پایان رسانید. این دانشگاه اکنون در سان سالوادور بمبکی از کانون های عمده جنبش مقاومت تبدیل شده است. دکتر اونگوس از کودتای نظامی علیه ژنرال دیکتاتور رومرو به اتفاق آلوارز کوردوبا، در «خونتا» عضویت داشت، اما در زمستان سال پیش (ژانویه ۱۹۸۰) استفا کرد و به جنبش مقاومت پیوست.

«اوردن» کیست؟

«اوردن» بزرگترین سازمان شبه نظامی تروریستی در السالوادور است. این سازمان مسئولیت قتل هزاران مبین دوست را عهده دارد. «اوردن» زیر سرپرستی مستقیم رئیس جمهوری عمل می کند و افراد آنرا «داوطلبان ارتش» «گارد ملی»، پلیس، کارآگاهی، پلیس سیاسی، سازمان های امنیت کشوری و لشکری، دژبانی و ژاندارمری تشکیل می دهند.

کارگران چاپخانه های زنجان

مابه پیروزی بر امریکامی اندیشیم



مشکلات را بمخاطر پیروزی تهنائی انقلاب تحمل می کنیم.

در شهر زنجان ۵ چاپخانه بزرگ و کوچک وجود دارد، که به کارهای مختلف، از چاپ کتاب گرفته تا سفارش ادارات، مشغول هستند. میزان سرمایه چاپخانه "اقتصاد" چهار میلیون ریال سرمایه دارد و سرمایه چاپخانه "ستاره" حدود دو میلیون ریال است.

تعداد کارگران ثابت هر یک از چاپخانهها حدود ۲۵ نفر است، که در قسمت های مختلف کار می کنند. در ۲ کارگاه از کارگاه های زنجان، تنها ماشین ملخی وجود دارد و در ۳ کارگاه دیگر، علاوه بر ماشین های ملخی کوچک ماشین بزرگ بزرگی یافت می شود.

در چاپخانهها محیط کار، به علت پخش ذرات سرب در فضای کارگاه، آلوده می شود و لازم است که برای رعایت بهداشت و حفظ سلامت کارگران کارگاهها به تهویه مجهز شوند. البته این مقررات در چاپخانهها رعایت نمی شود و در نتیجه کارگران مبتلا به انواع ناراحتی های جسمی، تنفسی، اعصاب، سردرد و واریس می شوند.

کارروانه کارگران ساعت (۲۵) ساعت در هفته است، ولی کارگران، به دلیل کمی دستمزد، مجبور هستند اضافه کاری کنند. قوانین کار در مورد بیمه، بهداشت محیط کار، حق مسکن و خواربار شامل حال آنها نمی شود و دستمزدها بسیار پایین است.

یکی از مشکلات اساسی کارگران چاپخانه های شهر زنجان، نداشتن یک سندیکای واقعی است. کارگران برای بهبود وضع زندگیشان خواست های صنفی و اجتماعی دارند که، برای تحقق بخشیدن به این خواست ها، نیازمند برخورداری از حق قانونی تشکیل انجمن های صنفی خود هستند.

تشکیل کارگران در سندیکا، سازمانی به منظور دفاع از انقلاب و موجب اتحاد کارگران باشد، گامی است در جهت برآوردن خواست های قانونی و محقق کارگران.

بانی چند کارکنان در مورد جنگ و شرایط کار آنها صحبت می کنیم. یکی از کارگران به نام علی رستمی، که قبلا کارگر ساختمانی بوده است، در باره جنگ تمهیلی می گوید:

"صدام به تحریک آمریکا به ایران تجاوز کرده است. اگر به وجود من احتیاج باشد، باکمال میل حاضرم به قانونی چند کارکنان در مورد جنگ و شرایط کار آنها صحبت می کنیم. یکی از کارگران به نام علی رستمی، که قبلا کارگر ساختمانی بوده است، در باره جنگ تمهیلی می گوید:

"صدام به تحریک آمریکا به ایران تجاوز کرده است. اگر به وجود من احتیاج باشد، باکمال میل حاضرم به قانونی چند کارکنان در مورد جنگ و شرایط کار آنها صحبت می کنیم. یکی از کارگران به نام علی رستمی، که قبلا کارگر ساختمانی بوده است، در باره جنگ تمهیلی می گوید:

مشکل شوند، تا هم نتوانند منافع صنفی و اجتماعی خود را تامین کنند و هم متحد و یکپارچه بیجا ساداری دستاورد های انقلاب بپردازند.

وی در مورد توطئه های امپریالیسم آمریکا می گوید:

"امپریالیسم و ارتجاع بین المللی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، بر آن هستند که با تدارک و اجرای توطئه های گوناگون، انقلاب ایران را درهم بشکنند و جمهوری اسلامی ایران را نابود کنند. ولی کشورهای دوست نیز از انقلاب و جمهوری اسلامی پشتیبانی می کنند و آمادهمرگونه کمک و یاری به ما هستند."

یابقی دیگران کارگران به گفتگو می نشینیم. او حدود ۱۹ سال دارد. فعلا ترک تحصیل کرده است و مدت ۳ سال است در چاپخانه کار می کند. او در مورد تدوین قانون جدید کار می گوید:

"قانون کار باید به وضع کارگران رسیدگی کند و به سود کارگران باشد. وزارت کار دولت باید از کارگران کاملا حمایت کند. تدوین و اجرای قانون انقلابی کار را از جمله این اقدامات است."

با کارگر دیگری نام اباصلت رفیعی گفتگو می کنیم. وی تا کلاس سوم راهنمایی درس خوانده است و سپس به علت مشکلات مالی، مجبور به ترک تحصیل و کار در قالی بافنی ها و چاپخانه شد. او درباره مشکلات ناشی از دشواری های پس از انقلاب و جنگ تمهیلی رژیم صدام می گوید:

"گرمائی و دیگر مشکلات را ما تحمل می کنیم. دوزمانی کمی اسداریان و سرمایه داران در باره سندیکای ما افزود:

"اگر کارگران هنگام و در سندیکا مشکل شوند، یعنی نمی توانند به انقلاب خدمت کنند."

درباره تدوین قانون کار نیز معتقد است:

"قانون کار باید حقوق کارگران را از هر لحاظ تامین کند و از مستکبران بگیرد و به مستضعفان بدهد."

با کارگر دیگری صحبت می کنیم. درباره سندیکا می گوید:

"کارگران باید در سندیکاهای خود را از هر لحاظ حقوق کارگران را از هر لحاظ تامین کنند و از مستکبران بگیرد و به مستضعفان بدهد."

با کارگر دیگری صحبت می کنیم. درباره سندیکا می گوید:

کارگران راه آهن میانه:

پیگیر وقایع در راه دفاع از انقلاب و حفظ دستاوردهای آن

باره سندیکا می گوید:

"دوزمان طاغوت سندیکایی تشکیل داده بودیم که بهم زدند و گفتند که به سندیکا احتیاج نیست، هر قسمتی نماینده انتخاب کند، تا ما به وسیله آنها با شما ارتباط برقرار کرده، مشکلاتتان را حل کنیم. ما هم نمایندگان انتخاب کردیم و مشکلاتمان را به آنها گفتیم، تا آنها با مقامات به صحبت بپردازند. ولی وقتی آنها با نمایندگان ما مواجه شدند، به آنها گفتند که: آقا احتیاجی به نماینده نیست. هروقت در کارتان مشکلی دیدیم خودمان حل خواهیم کرد. و بدین ترتیب آنها را روانه کردند و از آن پس تا حال سندیکا نداریم."

از وی درباره تجاوز رژیم صدام به ایران می پرسیم. می گوید:

"به نظر من آمریکا اول شروع کرده توطئه چینی، ماجرای طیس را بوجود آورد، ولی چون دیدکاری از پیش نبود، به حمله دیگری متوسل شد و این بار عراق را به سراغ ما فرستاد و در این راه دوستان نزدیکش چون اسرائیل، مصر، پاکستان، عربستان و غیره به او کمک کرده می کنند."

وی همچنین درباره وظیفه کارگران در این موقعیت حساس می گوید:

"وظیفه تمام کارگران در این موقعیت این است که بیش از پیش، با جدیت هر چه تمام تر کار کنند، حتی اگر شده در کارخانه ها اضافه کاری کنند، تا ضمن درهم شکستن محاصره اقتصادی آمریکا، با تولید زیاد تر در خدمت انقلاب و جبهه باشند."

او در پایان از مردم خواست که

"با صرف تمام توان خود ثابت کنند که همانطور که آمریکا نتوانست در ایران کاری بکند، عراق هم نمی تواند کاری از پیش ببرد."

پیش از ۲ سال از پیروزی انقلاب شکوهمندمان می گذرد، ۲ سال پیراز فراز و نشیب. در این مدت امپریالیسم آمریکا، چون پلنگ تیر خورده ای، یک آن از دشمنی با کشور ما غافل نبود. پشت سر هم توطئه چید، تا شاید انقلابیون را به شکست بکشاند و در این راه هنوز هم از هیچ کوششی فروگذار نمی کند. زحمتکشان ایران و در اس آن طبقه کارگر درختی کردن این توطئه ها نقش قاطع خویش را بار دیگر عیان ساختند. آنان نشان دادند که به هیچ وجه حاضر نیستند پیروزی انقلابی را که متعلق به آنهاست، از دست بدهند، آنان ثابت کردند که همچنان که در موقعت انقلاب با زوری اصلی آن بودند، در مقابله توطئه های رنگارنگ امپریالیسم آمریکان نیز صف مقدم جبهه هستند."

کارگران راه آهن نیز، چون دیگر کارگران ایران، در پی سال ها حکومت "اربابی" "حزقفر، بدبختی نابسامانی و در سدری چیزی دیگر عایدشان نشد و بدین سبب دوش بدوش سایر کارگران بارزیم گذشته چنگ زدند و امروز هم نقش عظیم خویش را جهت حفظ دستاوردهای انقلاب همچنان ایفا می کنند."

عوضعلی فتحی، یکی از این کارگران است که به همراه کارگر دیگری در کنار "فیژکوبی سی" میناسه به شغل راهداری مشغول است. یکی روزها و دیگری شبها به کار نگهبانی می پردازند. عوضعلی کارگری است که ۲۴ سال سابقه کار دارد و می گوید:

"دوزمان طاغوت با انواع مشکلات مواجه بودیم، که مهم ترین آنها کمی دستمزد بود. مثلا من خودم با ۶۰۰ تومان حقوق ماهانه مجبور بودم خرج ۷ سرنانه را بدهم. ولی پس از انقلاب حقوقم به ۲۸۴۴ تومان رسید. ما است. در قسمت ما ۲۵ کارگر کار می کنند، که همگی وضعی مشابه وضع من داشتند. گذشته از آن، پس از انقلاب استخدام رسمی شدیم و توانستیم از بعضی از قوانین کارگری استفاده کنیم. البته این راه باید بگوییم که نابسامانی در وضعمان پس از انقلاب به مشاهده می شود، مثلا کفش و لباس زمستانی و غیره هنوز هم به ما ندادند، ولی ما امیدواریم که اینها هم رفع شود. وی در ادامه حرف هایش در

- کارگران باید در سندیکاهای خود را از هر لحاظ حقوق کارگران را از هر لحاظ تامین کنند و از مستکبران بگیرد و به مستضعفان بدهد.
● قانون کار جدید باید حقوق کارگران را از هر لحاظ تامین کند.
● قانون کار باید در سندیکاهای خود را از هر لحاظ حقوق کارگران را از هر لحاظ تامین کنند و از مستکبران بگیرد و به مستضعفان بدهد.

در کارخانه های ذوب مس زنجان چه میگذرد؟



در جهاد مقدس کار، تا بزان در آوردن امپریالیسم، بسرگردی آمریکا به پیش!

نسیتم. صاحب کارخانه تا حال از همه ما رونوشت شناسنامه و غیره گرفته، ولی به اندازه میهمه نبرد ما است. وقتی هم که اعتراض می کنیم، می گویند فردا تعطیل است و بیگارخانه نیاید و ما را به اخراج تهدید می کند. کارمسان هم خطرناک است. اگر دستم یک بار زیر ماشین برود، دیگر کار نمی آیم و یک خانوادهمش نقری بدون سرپرست می ماند، چون نان آوردی بگری ندارند."

بعدها انقلاب کارگران این کار...

اولین کارخانه ذوب مس زنجان بیش از ۲۰ سال پیش، با یک دستگاه ذوب مس و ورق سازی شروع به کار کرد. بعدها که صنعت مسگری در این شهر توسعه زیادی پیدا کرد، به تعداد این کارخانه ها نیز افزوده شد. بطوری که امروز در حدود ۷ کارخانه در مناطق غرب مشغول به کارند، که تعدادی از آنها دارای ۲ یا ۳ دستگاه هستند.

تولید این کارخانه ها ورق مس است، که آنرا از ذوب کردن سنگ مس و خالص کردن آن بدست می آورند. در این کارخانه ها بیش از ۶۰ کارگر در شرایط دشوار کار مشغول به تولید هستند. بیشتر کارگاه های این کارخانه ها غیر بهداشتی و دود گرفته است و هوای آلوده به انواع دودهای ناراحت کننده، گمراه داخل کوره ها وارد فضای کاری می شود، سلامت کارگران را در معرض تهدید دائمی قرار می دهد.

گرمای بیش از حد کوره ها نیز خطری است جدی برای سلامت کارگران. در بیشتر کارخانه ها کارگران هیچ گونه تشکیلی، چون سندیکا و یا شورا ندارند و از برخی قوانین کار، از جمله بیمه نیز برخوردار نیستند. تاکنون هم هیچگونه اقدامی در این مورد صورت نگرفته است. عباس، یکی از کارگران، می گوید:

"ما بعضی قوانین کار بر خوردار

"ما مواد اولیه را از بنگاه های تهیه می کنیم که آنها از خارج (کویت) وارد می کنند، و چون بمیل خود قیمت ها را بالا می برند، ما مجبوریم آن را گران بخریم، در نتیجه تولید این کارخانه هم گران در می آید، و در همین ارتباط قیمت تولیدات مسی نیز گرانتر می شود. دولت می تواند با ملی کردن بازرگانی خارجی، واردات را خود در دست بگیرد، تا قیمت آن را کنترل کند، و به ما هم وام صنعتی جهت توسعه کارخانه بدهد، تا بتوانیم مقدار تولید را بالاتر ببریم."

کارگران صنایع ذوب مس از بسیج مستضعفان و دیگر نهاد های انقلابی می خواهند که در کارخانه ها به آنها آموزش نظامی بدهند، تا در مقابل هر نوع تجاوز امپریالیسم آمریکا آمادگی مقابله داشته باشند. آنها می گویند:

"امروز که جوانان ما در مرز در مقابل تجاوز نظامی صدام به مقابله برخاسته اند، وظیفه ما است که تا آنجا که می توانیم، تولیدمان را بیشتر کنیم و با کار بیشتر علیه محاصره اقتصادی مبارزه کنیم و بنگاریم که کشور احتیاج به محصولات خارجی پیدا کند. اکنون که انقلاب ما در مرحله حساسی را می گذراند، وظیفه دولت است که با اقدامات انقلابی، قدم های موثری برای حل مشکلات زحمتکشان بردارد، تا آنها با خاطری آسوده در راه انقلاب و تولید زیاد تر گام بردارند."

خانه، با وجود شرایط بسیار سخت، کار همواره تلاش می کنند، تا سطح تولید کارخانه را بالا ببرند، تا هر چه بیشتر از وارد کردن وسایل تولیدی مشابه از خارج جلوگیری کنند، ولی کمبود مواد اولیه و نالاب بودن قیمت آن - که متوسط تجار و بنگاه های وارد کننده سنگ مس هر روز بالاتر برده می شود - باعث شده که تولید داخلی کاهش پیدا کند. در این مورد یکی از مسئولین کارخانه می گوید:



تایید «ج» اجرا نشود، بزرگ مالکان به توطئه و زور گوئی ادامه خواهند داد

چگونه فتودال ها بال و پر گرفتند

روستاییان سپهتان، که سالها در زیر ظلم و ستم مالکان و اربابان وابسته زیرم طاغوت کمرشان خم شده بود، بعد از انقلاب با کمک و نظارت نهادهای انقلابی، برای کشت همه زمینها اقدام به گرفتن اراضی بزرگ مالکان کردند. آنها پیام امام خمینی، رهبر انقلاب، براساسی بر تولید هرچه بیشتر محصول، با کوشش جان شنیدند و شروع به کشت کردند.

در این اواخر، مالکان بزرگ به توسط اهادیستان و لیسرالها و روحانی نمایان، با استفاده از محاصره اقتصادی و وضع جنگی و دشواری کوشی و نیز توقف بند "ج"، دوباره به میدان آمدند و شروع به غصب زمینهای دهقانان کردند. آنها گاه از همکاری عناصر ناباب و مشکوکی که توانسته اند در درون دستگاههای دولتی و نهادهای انقلابی رخنه کنند، برخوردار می شوند. عمال زمین داران بزرگ، علاوه بر آنکه عده ای از جوانان دلیر و پرشور انقلابی عضو نهادهای انقلابی را کشته یا تهدید به قتل کرده اند، موجودیت و اثر بخشی این نهادهای انقلابی و از جمله هیئت واگذاری زمین را مورد حمله قرار می دهند. آنها می خواهند، با تضعیف این نهادها، آب رفته را با نمحو برگردانند و دوباره همان روابط ظالمانه گذشته را حاکم کنند. چند نمونه ای که در زیر یادآوری می شود، با مثالهایی از روستاهای اطراف نوشهر، کرچ، گروگان، بروجرد و فیروزآباد فارس، نشان می دهد که خطر بزرگ مالکان و عمال آنها، خطری جدی است و باید بند "ج" هرچه زودتر اجرا و دست غارتگران کوتاه شود.

در کرچ زمینی به مساحت ۲۵۰ هکتار توسط هیئت هفت نفری مصادره شد. خواست این هیئت، که صاحب این اراضی خود را معرفی کند، بدون جواب ماند. هیئت ۷ نفری هم این زمینها را به دهقانان واگذار کرد. بعد از چند روز که دهقانان شروع به تخم زدن زمینها کردند، سرولکه مالک زورگو پیدا شد و چون در درون دستگاههای دولتی نفوذ داشت، توانست دوباره زمینهای متعلق به دهقانان را غصب کند. تکلیف این اراضی هنوز معلوم نیست و این زمین کوبی دیگر قابل دوام نیست.

چندی پیش توسط روستاییان اطراف شهرستان گروگان و با همکاری جهاد سازندگی و سپاه پاسداران آن منطقه، اراضی یک بزرگ مالک مصادره و به دهقانان واگذار شد. اما او به کمک ایادی خود، که در دستگاههای دولتی نفوذ دارند، به سرزمینها بازگشت و آنرا از دهقانان گرفت. اوسپاسدای می کند که میان دهقانان و نهادهای انقلابی از جمله سپاه پاسداران و جهاد سازندگی تفرقه سازند و مدعی است که فقط او می تواند زمینها را "بازور" کند. مالک می خواهد با عوام فریبی سرپوش بر روی اعمال ضد انقلابی خود بگذارد. اما دهقانان یقین دارند که قدر آینده نزدیک زمینهایی را که متعلق به خودشان است، پس خواهند گرفت. همان طور که از نهاد انقلابی هیئت واگذاری زمین و مقامات مسئول انتظار می رفت، آنها جانب دهقانان را گرفته اند.

در حدود ۶ ماه قبل، اهالی روستاهای واقع در ۴ کیلومتری غرب بروجرد، زمینهای ارباب را گرفتند و میان خود تقسیم کردند. بعد از چند روز، ارباب، که فرار کرده بود، به کمک روحانی نماینده به روستا بازگشت، و در نتیجه تشنات او، ۲ نفر از نمایندگان دهقانان را دستگیر و در شهر زندانی کردند. این عمل باعث خشم روستاییان شد. بیداد مالک و روحانی نما به قدری آشکار و غیر قابل

گرفت، روستاییان همچنان هشیارانه خواستار قطع نفوذ خانها و فتودالها هستند. آنها از مقامات مسئول می طلبند که به حساسیت وضع استان و خطر توطئههای خائنین توجه کنند و برای جلوگیری از ایجاد کانونهای تشنج و درگیری، هر چه زودتر قانون اصلاحات ارضی و خصوصاً بند "ج" این قانون را، به سرپوشی هیئت های واگذاری زمین، به اجرا گذارند. بدنیال اظهارات مقامات مسئول در دولت و در ستاد زمین و در مجلس شورای اسلامی، امید دهقانان فارسی این است که مجلس، هر چه زودتر، تکلیف مالکین بزرگ را روشن و دست آنها را کوتاه کند.

عناصر مشکوک و توطئه گر در شهرستان داراب، حربه ساسی فتودالها را برای مخالفت با جمهوری اسلامی ایران و قوانین مصوبه آن، برای ایجاد درگیری و تشنج در شهر و اعمال فشار به دولت هستند. آنها مدتی است که برای جلوگیری از اجرای قانون اصلاحات ارضی تلاش می کنند. در مقابل، نهاد سازندگی و سپاه پاسداران، پشتیبان روستاییان و خواستار اجرای قانون اصلاحات ارضی هستند و وظیفه، خطر خود را در دفاع از انقلاب با سر بلند، علیرغم مشکلات بسیار، به انجام می رسانند.

بزرگ مالکان منطقه ایده موجب قتل کشاورزی بنام جعفر از روستای کور- پوروی و کشاورز دیگری بنام علیمراد از روستای تل قله سادات می شوند. ۴ نفر هم در این میان مجروح گردیدند. حادثه بدنیال دادن حکم کشت زمینها از طرف سپاه پاسداران به سادات حسینیها را رخداد. قائلین توسط سپاه پاسداران و دیگر ماموران دستگیر شدند، ولی مرکز توطئه و تشنج، که بزرگ مالکان هستند، تا بند "ج" کاملاً اجرا نشود، از بین نمی رود. اینگونه کشتارها، که در نامه "مردم" قبلاً هم پیرامون آن توضیح

ساواکیها، مالکان بزرگ، روحانی نمایان و لیسرالها شرایط دشوار کوشی را برای اجرای هدفهای پلید خود مناسب دیدند و فعالیت ضد انقلابی خود را تشدید کردند. آنها به خیال خام خود می خواهند نگذارند انقلاب به پیش رود. ولی بزرگ مالکی آخرین روزهای عمر منحوس خود را می گذرانند. روستاییان ماهیار تر از آن هستند که بگذارند این نوزکران و طرفداران شیطان بزرگ کاری از پیش ببرند. آنها می دانند که بهترین وسیله برای جلوگیری از اعمال ننگین این عده، اتحاد آنها و تحمل دشواریهای برخاسته از جنگ و سرکوب همین عناصر و فاش کردن دسیس و شایعه پراکنیهای بزرگ مالکان است.

از آنجا که کار بسیاری از بزرگ مالکان به توطئه و تحریک و آدم کشی و قانون شکنی کشیده، لازم است که مقامات مسئول این عده توطئه گر را شناسایی و دستگیر کنند و به سزای اعمال ضد انقلابی شان برسانند. در اینجا سرنوشته انقلاب مطرح است. سهل انگاری اصلاً جایز نیست. خوشبختانه نهادهای انقلابی، به ویژه سپاه، جهاد و هیئتها به رسالت بزرگ خود وفادارند و با هواداری از دهقانان و حق مسلم و قانونی آنها، در تحکیم جنبه انقلاب می کوشند. اینک دیگر آشکار است که اجرای بند "ج" قانون اصلاحات ارضی واجب است. واگذاری زمین به روستاییان بی زمین، یعنی اجرای عدالت و دادن حق به حقدار، موجب می شود که دهقانان به انقلاب امیدوار شوند و در حمایت از آن، در تحکیم جمهوری اسلامی ایران، با تمام نیروی خود بکوشند و خود جلو توطئههای عناصر خود فروخته و مزدور بزرگ مالکان را بگیرند.

اجرای بند "ج"، زمین را زیر پای توطئه گران است می کند، قدرت سازمان دادن تحریکات و تشنات را از بزرگ مالکان می گیرد و شر این غارتگران خونریز و فاسد را از روستاها دور می کند.



توطئه لیسرالها و دیگر عناصر مرتجع طرفدار فتودالها را محکوم می کنیم

دهقانان قوچ حصار و سلمبر طی نامه ای به حضور آیت الله منتظری، تکرانی خود را از توقف بند "ج" اعلام میکنند. عین متن نامه آنها را باهم می خوانیم:

بسم تعالی حضور محترم آیت الله منتظری ماهدقانان و دیگر اهالی دور روستای قوچ حصار و سلمبر پشتیبانی کامل خود را از انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی اعلام میکنیم. ما همچنین پشتیبانی کامل خود را از کلیه نهادهای انقلابی از جمله سپاه پاسداران، هیئت های هفت نفره و جهاد سازندگی اعلام کردیم و سپاه پاسداران را خود را از اقدام های جهاد سازندگی در این دور روستا اعلام میکنیم. ما توطئههای لیسرالها و دیگر عناصر مرتجع طرفدار فتودالها و سرمایه داران را محکوم می کنیم و تکرانی خود را از توقف بند "ج" کمر بستیم. زمینهای بزرگ مالکان است اعلام میکنیم، و از آن حضرت عالی استدعا داریم تا در جهت رفع موانعی که سر راه این قانون قرار گرفته کوتاه باشد. تا ستونهای محکم جمهوری اسلامی که همان حاکمیت مستضعفین است پایه گذاری شود.

درود بر رهبر عظیم الشان انقلاب امام خمینی

مردم دست معان و پارس آباد خواستار اجرای فوری بند "ج" شدند

نیز آمده است: "ما از تمام نهادهای انقلابی، بخصوص دادگاههای انقلاب اسلامی می خواهیم که قاطعیت خود را در مقابل

در مراسم بزرگداشت دومین سالگرد انقلاب، بهشتی، خواستار اجرای مجدد و سریع بند "ج" اصلاحات ارضی اسلامیان هستیم. در قسمت دیگری از این قطعه نامه

اهالی پارس آباد و دشت معان و کارکنان شرکت کشت و صنعت معان در رامیمایی بزرگداشت دومین سالگرد پیروزی انقلاب، با صدور قطعنامه ای خواستار اجرای هرچه سریعتر بند "ج" اصلاحات ارضی شدند. در این قطعنامه از جمله آمده است: "ما بر حسب رهنمودهای حضرات آیت عظام، منتظری، مشکینی و

هیئت های هفت نفری زودتر عمل کنید بزرگ مالکی پایگاه امیر یالیم و ستون پنجم تجاوز کاران است تکیه گاه دشمن را با واگذاری زمینها به دهقانان زخم کشی نایود کنید!

گسترش فعالیت ضد انقلاب در سیستان و بلوچستان

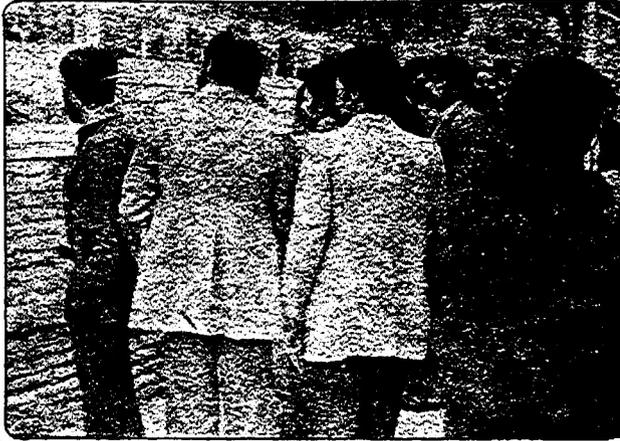
اخبار رسیده از سیستان و بلوچستان حکایت از گسترش فعالیت‌های مخرب عوامل ضدانقلاب و فئودال‌های این منطقه دارد.

در این ارتباط باید به بازگشت یکی از سران ضدانقلاب در منطقه به نام محمدحسن درخشان، که یازدهم سرهنگی در ارتش عمان خدمت می‌کند، اشاره کرد. وی که چندی پیش، بدینال شهادت ۱۱ تن از پاسداران انقلاب، به پاکستان گریخت، اکنون مدت ۲ هفته است که از طریق مسقط به «راسک» در نزدیکی چابهار آمده و به فعالیت‌های پراکنده است.

همچنین گریختن سعیدی فئودال فرادی و یکی از سرداران بلوچستان، که در دوران رژیم شاه ملعون صاحب ده‌گرم‌بیه (نزدیکی راسک) و مسالک زمینهای زیادی بود و فعلا در پاکستان تحت حمایت رژیم ضیاعالحق به توطئه‌گری علیه انقلاب مشغول است، چندی پیش به این ده آمد و ادعای سیم (۱) خود را کرد. لازم به تذکر است که ده «گرم‌بیه» از انقلاب، توسط جهاد سازندگی استان در اختیار مردم قرار گرفت و اینک توسط مردم زیر کشت رفته است. مردم این روستا، در برابر «گریختن سعیدی» عداوتی، که خواستار بازپس گرفتن زمین‌های ده بودند، قاطعانه ایستادند و یورش آنان را در این جهت خنثی کردند. بدینال همین واقعه، این فرض ضدانقلابی به پاکستان گریخت، تا آنجا با امکانات بیشتر و بهتر علیه انقلاب توطئه کند.

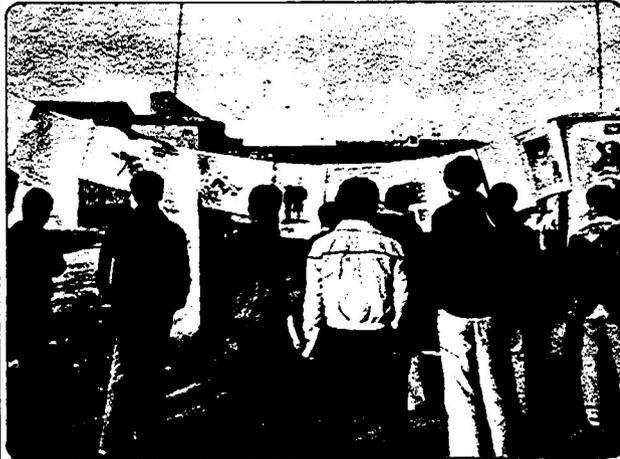
ماتوجه مقامات مسئول استان و بخصوص سپاه پاسداران انقلاب را به این اخبار، کسه حکایت از گسترش فعالیت عوامل ضدانقلاب دارد. چلبی-کیم و انتظار داریم که با برخورد قاطع و انقلابی با این عوامل مزدور امپریالیسم آمریکا و رژیم ارتجاعی پاکستان، هرگونه زمینه فعالیت آنان خنثی شود.

وقایع دوران انقلاب در سبزوار



از طرف اعضاء و هواداران حزب توده ایران در شهرستان سبزوار، نمایشگاه عکسی از وقایع دوران انقلاب، همزمان با دومین سالگرد انقلاب شکوهمند میهنمان، در این شهرستان برپا شد. این نمایشگاه، در مدت برپایی خود، با استقبال گرم مردم روبرو شد.

نمایشگاه توطئه‌های امپریالیسم آمریکا در رشت



از طرف اعضاء و هواداران سازمان جوانان توده ایران در رشت، نمایشگاه عکسی از توطئه‌های امپریالیسم آمریکا در این شهرستان برپا شد. این نمایشگاه، که در تاریخ دوازدهم دی ماه سال جاری در دبیرستان «نور» رشت تشکیل شد، مورد استقبال دانش‌آموزان و مردم محل قرار گرفت.

دگرگونی‌های اجتماعی نقش اساسی را در مبارزه با بیسوادی دارد

نمونه‌های زیر نشان می‌دهد که دگرگونی‌های اجتماعی نقش اساسی را در مبارزه علیه بیسوادی دارند:

در کوبا، بیست و یک سال پیش، ۳۰ درصد مردم بیسواد بودند. اما یک سال بعد، نخستین کشور سوسیالیستی آمریکا همچنین نخستین کشور آمریکای لاتین بود که در آن بیسوادی بگلی از میان رفته بود. کوبا امروزه کادرهای آموزشی خود را برای شرکت در نهضت سوادآموزی به کشورهای دیگر جهان، از جمله آنکولا و نیکاراگوئه گسیل می‌دارد.

در ویتنام نیز در مدتی، از نظر تاریخی بس‌کو تا بیسوادی از بین رفت. در اتیوپی، اینک بیش از ۶ میلیون نفر، با بیای سوادآموزی، به تحصیل مقدمات سیاست و حرفه مشغولند. در موزامبیک، مرحله دوم مبارزه با بیسوادی، با شرکت ۳۰۰ هزار نفر، آغاز شده است.

یکی از نخستین اقدامات دولت انقلابی نیکاراگوئه مبارزه با بیسوادی بود. کشورهای سوسیالیستی، در زمینه سوادآموزی نیز، از هیچ‌گونه کمک بیدریغ به کشورهای نوپا و انقلابی و جنبش‌های آزادی‌بخش ملی خودداری نمی‌کنند.

بموجب آخرین گزارش‌های «یونسکو»، امروزه در جهان ۸۱۴ میلیون نفر، یعنی در حدود یک پنجم سکنه روی زمین، از نعمت خواندن و نوشتن بی‌بهره‌اند. شکی نیست که توصیه‌های کنفرانس جهانی وزیران آموزش و پرورش در باره ریشه‌کنی بیسوادی (۱۹۶۵) و «چهاردهمین کنفرانس عمومی یونسکو» (۱۹۶۶) در بسیاری از کشورهای نتیجه نبرده است. با این همه، تنها در سال‌های ۴۹-۱۳۳۹ شماره بیسوادان جهان به میزان ۸۳ میلیون نفر بالا رفت. بیسوادی بویژه در کشورهای آفریقا (۷۵ درصد)، آسیا (۵۰ درصد) و آمریکای لاتین (۲۵ درصد) رواج دارد. مهم‌ترین علت‌های بیسوادی را باید در میراث بهره‌کشی استعماری یونان استعماری، سرکوب اجتماعی و سیاسی و نبود زبان نوشتنی جستجو کرد.

از سوی دیگر، در کشورهای سرمایه‌داری صنعتی نیز، شمار بیسوادان بیش از آنست که انتظار می‌رود: از جمله در ایالات متحده آمریکا بیش از ۱/۵ میلیون و در بریتانیا بیش از یک میلیون، علت عمده بیسوادی در اینگونه کشورها محدودیت‌های طبقاتی است.

چند پرسش و ...

بقیه از صفحه ۳

منتظر از «چهارده فامیل» السالوادور چیست؟

«چهارده فامیل»، الیکارشی السالوادور را تشکیل می‌دهند. در این میان، شماره آنها به ۲۰۰ افزایش یافته است. «چهارده فامیل» نزدیکه به ۶۰ درصد زمین‌های زیر کشت، تراپری همگانی، صنعت، بانک‌ها، شرکت‌های بیمه بازرگانی السالوادور را در اختیار خود دارند. میان «چهارده فامیل» السالوادور و سرمایه بین‌المللی، بویژه انحصارات ایالات متحده آمریکا پیوندهای بسیار نزدیک موجود است. حاکمیت «چهارده فامیل» بر پایه منوروی ارتش، سازمان‌های شبه نظامی و دستگاه پیچیده امنیتی استوار است. سرمایه‌گذاری‌های مستقیم ایالات

متحده در السالوادور بالغ بر ۲۰۰ میلیون دلار است. السالوادور در استراتژی آمریکا همواره مقامی مهم داشته است. بویژه پس از انقلاب نیکاراگوئه، السالوادور در نقش‌های تجار کارانه امپریالیسم ایالات متحده نقشی فزاینده یافته است.

بکسال ونیم پیش، واپرون ویکی معاون وزارت خارجه آمریکا، و مسئول آمریکای لاتین در کنفرانس آن کشور، «توریت ابتکار» ایالات متحده آمریکا را برای «اعمال تغییرات بی‌درد» در آمریکای لاتین یادآور شد. بگفتاو: «نگهداشت وضع موجود در گواتمالا، السالوادور و هندوراس مسخره است. مسئله بر سر این نیست که در باره احتمال تغییرات به بحث پردازیم، بلکه باید مواظب بود که چنین تغییراتی محصول قهر انقلابی نباشد».

این حکم امپریالیستی هنوز نیز توجیه «ایدئولوژیک» مداخلات وسیع ایالات متحده آمریکا را در امور السالوادور و مقابله با رستاخیز ملی این کشور تشکیل می‌دهد.



منظره‌ای از حکومت نظامی دست‌نشانده امپریالیسم آمریکا در السالوادور

برای مقابله با تجاوز نظامی آمریکا، تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

حقوق کارکنان دفاتر اسناد رسمی را پرداخت کنید

بوسیله مسئولین (کانون سردفتران، سازمان ثبت) اعلام جرم می‌نمایم. با اعضاء حدود ۵۰ تن از کارکنان یا از مقامات مسئول کشور و شخص آیت‌الله موسوی اردبیلی خواستاریم که با رسیدگی به خواست کارکنان زحمتکش دفاتر ثبت اسناد، مانع از ناراضی‌آنان شوند و از سودجویی عمده‌ای که به نام «کانون سردفتران» به‌شمار اکثریت کارکنان این دفاتر، شروتهای هنگفت اندوخته‌اند، جلوگیری کنند.

شما بعنوان حافظ و ناظر اجرای قوانین اعلام می‌کنیم که ماده واحده مصوبه ۳۳-۵۹ شورای انقلاب درباره کسبه کارکنان دفاتر اسناد رسمی (که از اشیاء مستصفا جامه هستند) تاکنون عملی نشده. از شما که صیانت از قوانین این جمهوری را بعهده دارید، مصرأ می‌خواهیم که تکذاریه قوانین مصوبه، ملغیه دست‌گستخانه عمده‌ای از سردفتران اسناد رسمی گردیده و با افعال فشار و تشیبات اجرای قوانین جمهوری اسلامی را مسکوت نموده و یا بعهده تمویق اندازند و نسبت به عدم اجرای قانون

گروهی از کارکنان دفاتر اسناد رسمی، در تاریخ ۱۵ بهمن ۵۹، طرنامه‌ای به آیت‌الله موسوی اردبیلی، دادستان کل کشور، خواستار پرداخت وجوهی شدند، که طبق ماده واحده شورای انقلاب بایستی دریافت کنند. این نامه، که اعضاء حدود ۵۰ تن از کارکنان را دارد، به شرح زیر است: حضرت آیت‌الله موسوی اردبیلی، دادستان محترم کل کشور ما گروهی از کارکنان دفاتر اسناد رسمی تهران، در آستانه آغاز سومین سال پیروزی انقلاب اسلامی ایران، به

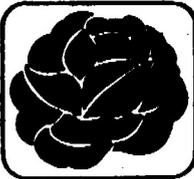
کمبود مصنوعی ساعت در بازار

ولی با جستجوی بیشتر در بازار و گفتگو باقی چند از فروشندگان ساعت، این نتیجه عاید میشود که چون دولت قصد دارد ساعت‌های مارکدار را خود از خارج وارد کند و کنترل قیمت آنها را در دست بگیرد، ازهم اکنون سرمایه‌داران بزرگ ساعت‌ها را از بازار جمع کرده‌اند، تا در یک موقعیت مناسب، ساعت‌های مارکدار و معروف را با نرخ گرانتری عرضه کنند.

سرمایه‌داران بزرگ و واسطه‌های فروش ساعت، ساعت‌های مارکدار مانند «سیتیزن»، «سیکو»، «گالو» و غیره را جمع‌آوری کرده‌اند، تا با ایجاد کمبود مصنوعی بتوانند بعدها با نرخ گرانتری آنها را در دسترس مشتری قرار دهند. با گشتی در مغازه‌های ساعت‌فروشی و بازار بخوبی میتوان متوجه این کمبود شد. البته دلیل فروشندگان برای این کمبود چنین است که: «چون موقع جنگ است و کالا وارد نمیشود، به همین علت مدتی است که ساعت‌های ذکر شده، وارد نمیشود»

ما از مسئولین امر انتظار داریم که با کنترل قیمت ساعت‌ها و با تعیین نرخهای مناسب و رسمی، مانع سودجویی سرمایه‌داران بزرگ شوند.

تقویم سال نو



۱۳۶۰

منتشر شد

چه کسی و برای...

که در دنیای سرمایه‌داری، آنرا با نام پسر طوطی شناخته می‌کنند. پسکولوزی افکار عمومی و غیره نام گذاری میکنند.

«جوسوازی» بقیاس جامعه مستازم داشتن امکانات وسیع تبلیغاتی و سازمانی است، که در دنیای سرمایه‌داری منحصر در دست انصارات خیری مملوعاتی است. در جهان سرمایه‌داری تنها این انصارات بزرگ هستند که از چنین امکانی برخوردارند. بنابراین «جوسوازی» مانند یک پدیده اجتماعی، شیوه‌ایست که طبقات ممتاز در جامعه سرمایه‌داری از آن برای فریب توده‌های مردم منظور ادامه غارت دست‌تیر آنان، استفاده میکنند.

ما همه «جوسوازی‌های دوران آریامهری را برای نشان دادن «یونان شاه مردم» بخاطر داریم. یکی از بزرگترین دستاوردهای انقلاب ۲۲ بهمن آن بود که رسانه‌های گروهی و مطبوعات را از انحصار دربار و سرمایه‌داران وابسته و ملاکان بزرگ، که پایگاه اجتماعی رژیم شاهنشاهی بودند، بدر آورد. لیرالها، که تک‌لنگان بدن انقلاب‌آباد شدند، ولی سهم بزرگی از قدرت را گرفتند، امیدوار بودند که بتوانند پس از انقلاب، رادیو تلویزیون و مطبوعات را به‌خودت بگیرند و همان «جوسوازی» را بسود خود ادامه دهند. در آغاز تاحسود زیادی موفق شده بودند ولی تسبیق انقلاب، امکانات زیادی را از دست آنها گرفت. از تریبون مجلس که بگذریم، اینک لیرالها یکی دو روزنامه برای انداختن آنرا به‌عنوان «جوسوازی» بر ضد مخالفان خود، یعنی دشمنان امپریالیسم کرده‌اند. اما «جو» جامعه روز بروز بر خلاف میل آنان، در جهت محکوم‌ساختن سازش با امپریالیسم و حفظ سرمایه‌داری تفسیر میکنند و هر قدر این تغییر محسوس‌تر میشود، قریب آسان بلندتر، خشن‌تر و منکرتر میشود و حملاتش بر نیروها، سازمانها و احزابی که در تعیین این «جو» زمینه‌ساز بوده‌اند، شدیدتر می‌گردد. حملات آنان به حزب توده ایران نیز از اینجاست چشمه میگیرد. لیرالها ما را متهم می‌کنند که با «جوسوازی» دوستان نادان، آنها، یعنی مبارزان مسلمان را برام مخالفت با امپریالیسم سرمایه‌داری و زمینداری بزرگ، کشته‌ایم. ولی خشم آنان نسبت به مبارزان مسلمان قوی‌تر از چیزی است که می‌تواند سرچشمه بگیرد که سرمایه‌داران لیرالها بنا بر خود در انقلاب ایران امیدوار بودند (و هنوز هم یکی نامیده شده‌اند) که بتوانند روحانیت و یا لاقط بخشی از آن را بنام اسلام، بدفاع از منافع طبقاتی خود جلب کنند. دوستی‌شان را نیز هنوز برای همین منظور حفظ کرده‌اند. اما بخش بزرگی از روحانیان، که رهبری امام‌خسینی را پذیرفته‌اند، بدنبال آنان رفتند و راه مردمی خویش را بیرون هیچ «دلقانی» از خارج ادامه دادند. این توده‌های زحمتکش بودند که افکار و آرزوهای خودشان را به‌عنوان از روحانیان «دالقه» کردند و حساب خود را از «اسلام» لیرالی جدا ساختند. ما نیز بسم خود در دفاع از انقلاب

ضد امپریالیستی و مردمی ایران، از استقلال و آزادی و ترقی ایران، از منافع زحمتکشان کوشیدیم. اینست دلیل اصلی آنکه لیرالها با تمام نیروی خود بر ضد ما «جوسوازی» می‌کنند، جوسوازی معنای واقعی کلمه، یعنی تلاش در راه تأثیر در افکار عمومی از طریق دروغ‌پردازی، عوام‌فریبی، حتی افترا و فحاشی.

صفحات روزنامه‌های لیرالی را ورق بزنید: یک‌جا پیدا نمی‌کنید که نام حزب ما را بدون افزودن یک کلمه رکیک فبره باشند، دروغی نیست که برای ما سازند، عیسوی نیست که بچینند و مقصود از همه اینها، «جوسوازی» علیه‌حزب توده ایران برای بی اعتبار کردن حرفه‌ای است که ما بسود زحمتکشان و به زیان استثمارگران و استثمارگران هستیم. خود این ادعای آنان که ما «جوسوازی» میکنیم و «دوستان نادان» در دام این «جوسوازی» می‌افتند، یک «جوسوازی» ناجوانرسانه - آتم بر ضد کسانی که آنها را دوست می‌نامند نیست. آنها امیدوارند با «جو» در این باره که مبارزان مسلمان در دام «جوسوازی» حزب توده ایران افتادند، آنها را به سکوت و تسلیم در برابر خواستهای خود وادار سازند. تاکنیک آنان بسیار روشن است: یا مبارزان مسلمان واقعا تسلیم خواستهای آنها میشوند، که چه بهتر، و زحمتکشان بدفاع از منافع زحمتکشان یا فتاری کردند (سیاستی که حزب توده ایران نیز پیگیرانه دنبال میکند) لیرالها حرف خود را با «دلائل محکمتر» تکرار میکنند. که مبارزان مسلمان در دام «جوسوازی»

برخی از مبارزان مسلمان، برای فرار از این اتهام، «داخل» خاصی یافته‌اند و آن فحاشی به حزب توده ایران است. ما با این به این صدها مبارزان یادآوری کردیم که، این شیوه هیچ دردی را نمیکند، زیرا اگر آنها صدگروم به حزب توده ایران فحش بدهند، لیکن پیگیرانه از منافع زحمتکشان دفاع کنند، لیرالها این «کنامه» آنان را نمی‌بخشند. تنها نتیجه‌ای که از این «راه حل» بدست می‌آید، تفرقه افکنی بین نیروهای است که بر حسب خصلت طبقاتی خودشان، باید در جبهه واحد علیه لیرالها و در حقیقت علیه حفظ سرمایه‌داری و بازگشت منطقی امپریالیسم، سرگردمی آمریکا بر زمین ما مبارزه کنند.

در صحنه سیاسی کشور ما اکنون دو خط مشخص وجود دارد: خطی که لیرالها دنبال می‌کنند و این خط مستقیم و یا «گام به گام» به حفظ نظام سرمایه‌داری (که در شرایط کشور ما چیزی جز سرمایه‌داری وابسته نمی‌تواند باشد) منتهی میشود. و خطی که توده‌های مردم برهبری امام‌خسینی در پیش گرفته‌اند و هدف آن «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» یعنی بهیروزگی فلسی و نهایی رساندن انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی است. نمیتوان در آن واحد در هر دو خط گام برداشت. نمیتوان این دو خط را بنام «اسلام» در یک خط ادغام کرد. اسلام لیرالی می‌خورد. لیرالها میخواهند

دوستان نادان‌شان را سرعقل بیاورند و آنها را به قبول اسلام، طرفدار سرمایه‌داری متقاعد سازند. واقعا هم برخی از این دوستان نادان، سرعقل آمده‌اند و اکنون زیر پرچم لیرالها سینه‌میزند و هر قدر انقلاب عینی‌تر شود، تعداد «دوستان» لیرالها از میان «نادانان» (یعنی واقعی کلمه) بیشتر خواهد شد. تا مسافانه نادانان و ناآگاهانی که فریب عوام‌فریبی‌ها و «جوسوازی‌های» لیرالها را می‌خورند، کم نیستند. اصولا هیچ نیروی مترجم و ضد انقلابی نیست که بدون جلب بخشی از عناصر ناآگاه بتواند یک حکومت انقلابی را بنا بر قرار سازد. لیرالها برای جلب ارتش سیاسی خود چند دست بکار شده‌اند و قدم بقدم برادیر فعالیت خود می‌افزایند. «جوسوازی» بر ضد مبارزان مسلمان و تخطئه تمام اقدامات انقلابی نهادهای انقلابی، به‌عنوان «کنامه» دلقان ایدئولوژی، شده‌اند و در «دام تودم‌ای» افتادند، ابزار کار آنهاست.

راه مبارز ما «جوسوازی» لیرالها، فحش دادن به حزب توده ایران نیست. باید با برخورد انقلابی دهن «جوسوازی» لیرال را بست، یعنی آنچه را که بسود انقلاب است، برپرا گرفت و روی بگریزیم. آن بافتاری کرد، صرف نظر از اینکه کدام سازمان سیاسی یا مردمی مبتکر و یا موافق آن است. بگذار لیرالها تا قیامت فریاد بزنند که این «دعاهای حرف توده‌ای» است. اگر نیروهای انقلابی از این تمهت لیرالها بترسند و حرفه‌های درست را بدلیل اینکه توده‌ها قیلا کتانه‌اند و یا اکنون می‌گویند و یا با آن موافقت، نزنند و بویژه در عمل اجرا نکنند، خواه ناخواه در دام «جوسوازی» لیرالها افتادند.

یکی از بهترین نشانه‌های انقلابی بودن آنست که انسان از تمهت دشمنان انقلاب ترسد و از مواضع اصولی خود پیگیرانه دفاع کند. حزب ما نه تنها در دوران حکومت محمدرضا، بلکه در همین دوران پس از انقلاب نیز در معرض انواع تمهت‌ها و افتراها و ناسزاها و فشارها از هر سو قرار داشته است. ما توئیستهای امریکائی و چینیان ما را به «دنباله‌روی» از «آخوند» متهم کرده‌اند، «ملیون» رهبران حزب ما را «آیت‌الله» خوانده‌اند، لیرالها ما را وابسته به «دربار قدرت روس» و تفریق و ما را «کافر» و ملحد نامیده‌اند و... هیچ حزبی، هیچ سازمان سیاسی، در طول تاریخ ایران، زیر این همه فشار و تمقیب و ناسزا و تمهت و افترا قرار نگرفته است. اما ما به راه خود ادامه داده‌ایم، از خط ضد امپریالیستی و مردمی امام‌خسینی پشتیبانی کرده‌ایم. از دوستی جمهوری اسلامی ایران با کشورهای سوسیالیستی دوست انقلاب ایران در برابر حملات پیروان خط پرژینسکی دفاع کرده‌ایم، با استواری در موضع دفاع از جهان‌شمولی علمی و انقلابی خود در برابر حملات تفریق‌گرایان و این خط اصولی انقلابی ما بی‌سود دوستان و دشمنان بیشتری برای ما در دو سوی مرز فاصل انقلاب و ضد انقلاب فراهم کرده است. این نیز قانونمند و طبیعی است. اگر ما از ترس آنکه ما را وابسته به «دربار قدرت روس» بخوانند، از گفتن حقایق

لئونید برژف...

شده بود، شرکت کردند و نظرات و پیشنهادها تکمیلی خود را در جهت حک و اصلاح این سند مطرح ساختند، که بر شکستجوی غنی‌تری به آن بخشید است.

لئونید برژف گفت: «وظیفه عملی‌های که در طرح برنامه پنجاهه گنجانده شده است، بالابردن سطح رفاه و آسایش مردم شوروی است. طری این برنامه، که از دهه‌های پنجاهه پنجاهه اتحاد شوروی خواهد بود، درآمد ملی باید ۴۶ الی ۴۸ درصد و سطح تولیدات کشاورزی ۱۲ الی ۱۶ درصد افزایش یابد. در این برنامه اهمیت خاصی به رشد صنایع سنگین و در درجه اول به رشد صنایع مواد سوخت و انرژی و تسریع آهنگ رشد اقتصاد داده شده است. در برنامه پنجاهه یازدهم و دوازدهم بهره‌برداری از منابع نفت و گاز سیبری غربی و انتقال آن به بخش اروپائی کشور، مهمترین وظایف این برنامه‌ها در زمینه تسامین انرژی خواهد بود.

در برنامه پنجاهه یازدهم و بیست و سه ساله دهه ۸۰، اتحالی سطح رفاه و آسایش مردم در تمام زمینه‌ها: مصرف، مسکن، فرهنگ، استراحت، شرایط کار و زندگی ادامه خواهد یافت. میزان حداقل حقوق بلژنستکی کارگران و کارمندان و اعضای شرکتهای تعاونی روستائی بالا خواهد رفت و همچنین اقدامات دیگری در زمینه بهبود بازدهی بیشتر تأمین اجتماعی مردم انجام خواهد گرفت. کمک دولت به خانواده‌های کثیرالاولاد افزایش خواهد یافت. اتحالی سطح زندگی زحمتکشان، علاوه بر افزایش درآمدی آنان، از طریق بهبود تجهیزات زندگی ارتقا و همچنین کالاهای صنعتی مصرفی انجام میگردد. برای تأمین این مقصود، برنامه مخصوصی تنظیم شده است که طبق آن تولید مسواک کشاورزی به میزان قابل توجهی افزایش خواهد یافت و میان بخش کشاورزی و بخشهای تکانه‌داری محصولات، صنایع تبدیلی و شبکه فروش، ارتباط نزدیکی بوجود خواهد آمد. هدف از این اقدامات آنست که بتوان در کوتاه‌ترین مدت مسئله تأمین اهالی از حیث انواع مواد غذایی را حل کرد.

درباره سیاست اصولی و انقلابی اتحاد شوروی هرگز نمی‌گردد، ناگزیر راه را برای پیشرفت خط پرژینسکی هموار می‌سازیم، اگر ما از ترس اینکه حزب ما را حزب «آیت‌الله‌ها» بخوانند، از پشتیبانی از خط امام‌خسینی سر باز می‌زنیم، ناگزیر در صف ضد انقلابیون رنجبری و بی‌کارتی و کومه و... قرار می‌گیریم و... در نتیجه به انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی، به جمهوری اسلامی ایران و به منافع زحمتکشان ملطمه می‌زنیم. ما این کار را نکرده‌ایم و نخواهیم کرد.

ما توصیه میکنیم که مبارزان مسلمان نیز از تمهت لیرالها، که می‌گویند آنان در دام توده‌ایها افتادند، ترسند و برام خود در خدمت به خلق و انقلاب ادامه دهند و به حزب ما نیز، برای تیره‌تر خوش، در برابر کسانی که آنها را دوستان نادان می‌نامند، ناسزا نگویند.

شرکتهای تعاونی و موسسات دولتی کشاورزی همچنان بعنوان اساس کشاورزی سوسیالیستی باقی می‌ماند، ولی این بدان معنا نیست که میتوان امکانات اقتصاد خصوصی جنبی روستائی را نادیده گرفت. تجربه نشان میدهد که این اقتصاد میتواند در تولید شیر و گوشت و برخی از سایر محصولات غذایی نقش داشته باشد. باغها، جایزه‌ها، طوب و دامهای متعلق به زحمتکشان جزئی از ثروت عمومی کشورند.

لئونید برژف گفت: «کمیت مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی تصویب نامه‌ای در خصوص اقدامات دیگری که برای بسط و توسعه اقتصادهای خصوصی جنبی لازم است، صادر کرد. هدف از این تصویب نامه ایجاد شرایط مادی و معنوی ضروری برای توسعه کردن شهروندان در اداره اقتصادهای خصوصی جنبی و در درجه اول دام‌پروری و مرغداری است. اقتصادهای جنبی متعلق به موسسات صنعتی نیز، طبق این تصویب نامه، از کمک‌ها چانه بر خوردار میشوند.

لئونید برژف افزود: «جامعه شوروی، جامعه کار است. حزب کمونیست و دولت شوروی کوشیده و میکوشد تا کار انسانی که تنها برپیره، بلکه همچنین بر مضنون، جالب و خلاق باشد و کسار طاقت‌فرسا و سنگین و کسار جسمانی و بدون تضمین ازین برده شود، درحاضر حاضر میلیونها نفر از مردم ما به کاری با این خصلت متحولند. حل مسئله کار بدنی و تصویب تنها اهمیت اقتصادی ندارد، بلکه همچنین یک مسئله جدی اجتماعی و بمعنی بر طرف کردن موانع عمده از سر راه تبدیل کار به بهترین نیز حیاتی انسانیت است.

لئونید برژف سپس به بحث درباره دموکراسی سوسیالیستی و بسط دموکراسی آن از طریق شوراهای پرداخت و گفت: «نقش شوراهای مردم آهنگ کردن و نظارت بر کار موسسات و سازمانهای واقع در قلمرو فعالیت آنان بیش از پیش افزایش می‌یابد و کمیت مرکزی حزب فعالیت شوراهای از هر حیث در همین جهت تأید میکنند.

لئونید برژف گفت: «تکمیل قوانین شوروی بر پایه قانون اساسی جدید اثر مفید زیادی داشته و امکان داده است که بتوان جوانب مختلف مناسبات اجتماعی را بر پایه قوانین جدید دقیق تنظیم کرد. تکمیل قوانین همچنان ادامه خواهد یافت و سه سمت عمده، یعنی رهبری اقتصاد ملی، تأمین حقوق قانونی شهروندان و سازمانهای اجتماعی مطرح در قانون اساسی و تدوین مجموعه قوانین مدنی اتحاد شوروی را دربر خواهد گرفت.

لئونید برژف افزود: «ماهیت و مقصود واقعی دموکراسی شوروی در ذینفع بودن افراد در کار مشترک و بسط و توسعه تولید، اشتراک نظر و عقیده و همچنین اتقوا اتحاد خود با اصولیت و صداقت و ارتقاء سطح فعالیت اجتماعی و سیاسی تمام شهروندان خلاصه میشود.

لئونید برژف سپس به بحث درباره شمار اعضای حزب و ترکیب آن پرداخت و گفت:

«در فاصله بین دو کنگره ما ۱۷ میلیون بر تعداد اعضای حزب افزوده شده است، اکنون ۱۷ میلیون و ۴۸۰ هزار نفر در حزب کمونیست عضویت دارند، که از این عده ۴۴۶ درصد کارگر، ۱۴۳۸ درصد روستائیان عضو تعاونیهای کشاورزی، ۴۴۸ درصد روشنفکران فنی، علمی، هنری و کارکنان فرهنگ و بهداشتی و سازمانهای کسوری و لشکری هستند.

لئونید برژف در گزارش خود به یک مسئله مهم دیگر، یعنی لزوم توسعه خلاق شوروی، در کمیت - لتینیم اشاره کرد و گفت:

«اگر حزب مارکسیست-لنینیست به درک تمام پدیده‌ها و نتیجه‌گیری جامع از رویدادها و تکامل خلاق کوری مارکسیسم-لنینیسم توجه لازم را ننماید، نمی‌تواند نقش خود را انجام دهد. ما هواره این وظیفه پس می‌بهران در نظر داشته‌ایم و برای انجام آن در این مدت کوشیده‌ایم. نتیجه تودیک حزب پس از کنگره نیست و نتیجه، با یک سلسله از اینگونه نتیجه‌گیری‌ها غنی گردید، که در میان آنها باید در درجه اول از ترمیم سوسیالیسم تکامل یافته نام برد. حزب بر پایه این تودیک، استراتژی و تاکتیک خود را برای یک مرحله طولانی تر پیش تعیین کرده.

لئونید برژف سپس مسئله لزوم تدوین برنامه تازه‌ای برای حزب را مطرح ساخت و اظهار داشت: «هر چند در این برنامه، که در حال حاضر در دست اجراء داریم، قانونمندیهای پیشرفت اجتماعی در همه عرصه‌ها درستی انعکاس یافته، اما بیست سال از زمان تصویب آن می‌گذرد. در برنامه جدید باید تغییراتی که در ساختار اقتصادی مالدی داده است و وظایف درازمدتی که در پیش داریم، انعکاس یابد. بدین است که ما در تدوین برنامه باید از رهنمود لنینیستی و کتب که برنامه فطشامل اصول اساسی است و پیشگویی جزئیات در برنامه نیایند و بی‌جست. بدین ترتیب ظاهرا لازم است در برنامه حزب موادی تغییر یابد و یا تکمیل شود. اگر این پیشنهاد مورد تصویب نمایندگان کنگره قرار گیرد، میتوان به کمیت مرکزی ماموریت داد که متن جدید برنامه حزب کمونیست اتحاد شوروی را آماده کند.

لئونید برژف در پایان گزارش خود گفت: «هرن رستم نسبت به قرن پیش تحولات بزرگتری به همراه آورده است و هیچ کشوری مانند اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، زادگاه انقلاب اکبر و نخستین کشور سوسیالیسم بیروز، در این تحولات سهم نیوده است.

لئونید برژف افزود: «مردم شوروی با اطمینان به آینده خود می‌نگرند، ولی این اطمینان غرور تودروردگان سر نوشت نیست. ملت ما میدانند که آنچه دارند، ثمره کار و کوشش خود است. خوشبختی ما از ایمان ما به نیروی کار، از ایمان ما به نیروی همین مردم خوشی سرچشمه می‌گیرد. خوشبختی ما از ایمان ما به حزب خودمان سرچشمه می‌گیرد، زیرا میدانیم که حزب یگانه راه درست را نشان میدهد.

پایان

هر چه زودتر از نابودی مدارک و اسناد جمع - آوری شد مساواک شیراز جلوگیری کنید!

هر چه زودتر از نابودی مدارک و اسناد جمع آوری شده ساواک شیراز، که اینک برهمنیام کمیته امداد این شهرستان در معرض خطر است، باید جلوگیری کرد. طبق اطلاعات رسیده، مدارک و اسناد جمع آوری شده ساواک شهرستان شیراز، اینک برهمنیام کمیته امداد (کاخ پذیرائی - استانداری سابق) در معرض بربودن و باران و نابودی است. ما از مقامات مسئول مسرانه می‌طلبیم که هر چه زودتر از نابودی این مدارک مهم جلوگیری کنند، که از بین رفتن آنها، به نفع ضد انقلاب و ساواکیها است.



پیگرد مخالفان جنگ در آمریکا

شرکت کنندگان در جنبش مخالفت با جنگ مورد تعقیب مقامات دولتی آمریکا قرار میگیرند. در دادگاه شهر «نورس تاون» در ایالت پنسیلوانیا، هشت تن از شرکت کنندگان در این جنبش به علت مخالفت با سیاست نظامیگری و مسابقه تسلیحاتی دولت آمریکا مجرم شناخته شدند و در انتظار صدور حکم دادگاه مبنی بر محکومیت خود در زندان بسر می‌برند. هواداران جنبش مخالفان جنگ در سال گذشته (سیسی) به عنوان اعتراض علیه سیاست دولت، یک کارخانه نظامی متعلق به لندن جنرال الکتریک، را که کلاهک موشکهای اتمی تولید میکند، اشغال کردند.

کشف توطئه «سیاه» در دومینیک

طبق گزارش خبرگزاری «پولسا لیتا» مقامات رسمی دولت جدید دومینیک اعلام کردند که یک توطئه ضد دولتی، که از جانب سازمان جاسوسی آمریکا علیه سازمان سازمان یاقه بوده کشف شده است. در اطلاعاتی نخست‌وزیری دومینیک خاطر نشان شده است که یاقه چنان، نخست‌وزیر سابق و فردیک ویلسون فرمانده نیروهای مسلح، عاملین اصلی این توطئه، که دستگیر شده‌اند، قصد کودتا علیه دولت قانونی کشور را داشته‌اند. این دو نفر در یکی از جزایر مجاور دومینیک یا ماموران صیای آمریکا تماسهایی برقرار کرده بودند و برنامه کودتا را با همکاری ماموران صیای طرح‌ریزی کرده‌اند. در این اطلاعات آمده است که اعتبارات مالی و کمکهای تسلیحاتی توطئه‌گران از جانب آمریکا تأمین شده است.

شمار بیکاران در انگلستان به ۲ میلیون و پانصد هزار نفر رسیده است

طبق آمار رسمی، در انگلستان ۲ میلیون و پانصد هزار نفر از اهالی فاضل کشور بیکار هستند. دولت محافظه کار انگلستان، بجای اقدام در جهت بهبود این وضع، تصمیم گرفته است که طبق آمار رسمی، در انگلستان ۲ میلیون و پانصد هزار نفر از اهالی فاضل کشور بیکار هستند. دولت محافظه کار انگلستان، بجای اقدام در جهت بهبود این وضع، تصمیم گرفته است که

«رقابت دو ابر قدرت» - ساخت زرادخانه مائوئیستی است

خالد بکتاش، دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست سوریه، در راس هیئت نمایندگانی این حزب در بیست و ششمین کنفرانس حزب کمونیست اتحاد شوروی شرکت کرد. طوسی سخنرانی خود در کنفرانس اظهار داشت: دستگاه تبلیغاتی یکنواختی دارد که در توجیه سیاست نظامیگری و مسابقه تسلیحاتی امریکاییان و سیاست توسعه طلبانه خود، مبارزه میان دو جهان سوسیالیسم و سرمایه‌داری را «رقابت» میان دو ابر قدرت امریکا و شوروی وانمود کند. متأسفانه در کشورهای هم که از پندهای نواستعاری و وابستگی به امریکایی‌ها پناه‌اند، از جانب محافل ارتجاعی این نظریه تبلیغ میشود. خالد بکتاش گفت: «این اشتباه بزرگ و حتی جنایت است که تمام مبارزات طبقاتی و رهایی‌بخش خلقها در جهان، «رقابت» میان دو ابر قدرت و یا دو گروه بندی پرتاب هشت ماهواره به مدار زمین»

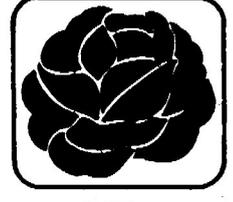
پرتاب هشت ماهواره به مدار زمین

در اتحاد شوروی، طبق برنامه‌های علمی و پژوهشی کیهانی، هشت ماهواره پرسیلیپیک بوشاک از نوع «کاسموس» به فضا پرتاب شدند و در مدار زمین قرار گرفتند. این ماهواره‌ها در گردش خود در مدار زمین یک رشته پژوهشهای کیهانی انجام خواهند داد. از سال ۱۹۶۶ تاکنون متجاوز از ۱۲۰۰ ماهواره از این نوع به منظور پژوهشهای کیهانی به مدار زمین فرستاده شده‌اند.

یورش پلیس پاکستان به نیروهای دمکراتیک کشور

طبق گزارش خبرگزاری رویتر در پاکستان، یورش جدید ماموران پلیس کشور علیه مخالفان رژیم دیکتاتوری نظامی حاکم بر کشور آغاز گردیده و عده‌ای بازداشت شده‌اند. بانو قسرت پوتو، همسر نواز قاتر علی پوتو، نخست‌وزیر سابق پاکستان، از جمله بازداشت‌شدگان است. بانو قسرت پوتو رهبر حزب خلق است، که از جانب دولت غیرقانونی اعلام شده است. علاوه بر بانو قسرت پوتو، ۵۰ تن دیگر از اعضای این حزب و مطهر علی خان دبیرکل شورای طرفداران صلح پاکستان، بازداشت شده‌اند. در شهرهای لاهور، راولپندی و اسلام‌آباد، ماموران پلیس بسیاری از منازل اهالی شهر را مورد بازرسی قرار داده‌اند.

تقویم سال نو



۱۳۶۰ منتشر شد

نامه مروت ارگان مرکزی حزب توده ایران

Table with subscription rates for NAMEH MARDOM in various countries like West-Germany, France, Austria, etc.

خوانندگان گرامی نامه مردم و همه مقامات دولتی و غیر دولتی میتوانند به آدرس زیر یا نامه مردم مکاتبه کنند. صندوق پستی ۱۴ پستی تهران ۴۱/۳۵۰۱ منطقه

کشاندن کارگران ...

پایه از صفحه ۱ بعنوان بخشی از دستمزد پرداخت نشده خود هستند، در همانحال مشکلات مالی کارخانه‌ها و دولت، که ناشی از خرابکاریهای ضدانقلاب و جنگ تحمیلی امریکالیسم آمریکا به کشور ما است، برکسی پوشیده نیست.

در مجموع و با در نظر گرفتن اینکه زمینه‌های عدم رضایت ناشی از گرانی، تورم و نظایر آن یکی از علل مهم اعتراضات کارگران است، نمی‌توان پوشیده داشت که، تحریکات ضدانقلاب علت اصلی در بروز این درگیریهاست. دست مرثی و نامرثی ضدانقلابی محیطهای کارگری را به سمت اعتصاب، تحصن و درگیری سوق می‌دهد. این آن واقعیت اصلی است که کارگران و زحمتکشان باید به آن توجه کنند و نسبت به حوادثی نظیر اعتصاب و تحصن در شرایط کنونی، همانطور که ما قبلاً نیز یادآور شدیم، برخورد انقلابی و با مسئولیت داشته باشند.

اینکه می‌گوئیم دست ضدانقلاب برای ایجاد اعتصاب و تحصن و درگیری در واحدهای بزرگ صنعتی یکار اقدام تنها یک ادعا نیست. در جریان تظاهرات دانشگاه در روز ۱۴ اسفند ۵۹، اعلامیه‌ای بنام «کارگران اعتصابی کشتی ملی» انتشار یافت، که در آن گفته میشد که گویا سپاه پاسداران با گاز اشک‌آور به کارگران حمله‌ور شده‌است. چنانکه کارگران خود می‌دانند، این دروغی بیش نیست و هدف آن لکه‌دار ساختن نام یکی از پاکترین ازگانهای انقلابی است، که از میان انقلاب و خود زحمتکشان بر خاسته است.

همچنین در ایجاد اعتصاب و درگیری در کارخانه نیز خاور دست افراد مشکوک دیده می‌شود که تا بحال چندین نوبت در ایجاد تشنج در محیط کار دخالت داشته‌اند. شایعات مربوط به اخراج ۳۰۰ نفر از کارکنان شرکت واحد نیز از همین قبیل است. هدف آنست که مجدداً این شرکت را به اعتصاب بکشانند.

حمله نیروهای عراقی در جبهه ایلام دفع شد

یکه از صحنه ۱ از نیروهای عراقی کشته شدند و در نفر از افراد ارتش عراق به اسارت درآمدند. همچنین در این روز نیروهای خودی در جبهه‌های آبادان به آتش نیروهای عراقی پاسخ دادند و با اجرای آتش هوپخانه و خمپاره‌انداز توانستند یک تانک، چهار خودرو، یک لودر،

خودداری از هرگونه اعتصاب، تحصن و درگیری در محیطهای کار است. مشکلات کار و زندگی کارگران در وضع فعلی می‌تواند و باید از راه مذاکره و شیوه‌های مسالمت طرح و حل گردد. امید است که کارگران واحدهایی که به اعتصاب کشاننده شده‌اند، با همین برداشت به سرکارهای خود بازگردند. کارگران با ابراز هوشیاری طبقاتی، حیل ضدانقلاب را، که می‌خواهد با استفاده از بنط دامنه اعتصابات توطئه جدید امریکالیسم جهانی، بسرکردگی آمریکا، را علیه انقلاب ایران به اجرا بگذارد، عقیم می‌گذاردند.

طبیعی است که دولت انقلاب نیز نمی‌تواند فارغ از برداشت اصولی نسبت به عدم رضایت در بین کارگران و زحمتکشان باشد. متأسفانه دست دولت در افزایش دستمزدها و پرداخت پاداش و سود سالانه کارگران مانند سالهای قبل، بسته است. اقدام به برخی محدودیتها در این زمینه برای قاطبه کارگران و زحمتکشان قابل درک است. اما دست دولت در جلوگیری از گرانی، پائین آوردن قیمتها و مهار کردن تورم بسته نیست. از راه تسریع در سهمیه‌بندی کالاهای اساسی، توزیع اجناس ضروری و میوه، با قیمت‌های ثابت، در محیطهای کار و نظایر این اقدامات، هم اکنون می‌توان قسمهای جدی برداشت.

با تمرکز ذخایر کالائی در دست دولت، حتی میوه‌های نگاهداری شده در سردخانه‌ها، بسط توزیع دولتی، قانونی و خردفروشی، طرد تاجر بزرگ وابسته، عدم فروشان و محتکران از میاده، خلاصه کلام، ملی کردن بازرگانی خارجی و نظارت موثر بر بازرگانی داخلی می‌توان و باید تسهیلات جدی در زمینه کارگران، زحمتکشان و همه مردم فراهم آورد.

کارگران و زحمتکشان بوظیفه و مسئولیت انقلابی خود عمل می‌کنند و از توسل به خره‌های اعتصاب و تحصن و درگیری در محیطهای کار خودداری و با تمام نیرو جلوگیری می‌کنند. دولت نیز باید بوظیفه خود عمل کند و امر مهم مبارزه موثر و قاطع با گرانی و احتکار را جدی بگیرد.

متواری شدند روزندگان نیروی زمینی در جبهه سوسنگرد مواضع دشمن را زیر آتش شدید توپخانه قرار دادند که در نتیجه یک تانک و یک تانکر سوخت نیروهای عراقی منهدم و به آتش کشیده شد و حدود ۴۰ نفر از افراد ارتش صدام کشته و زخمی شدند.

دلوران ما همچنین در جبهه کرخه موفق شدند دو دستگاه نفرین، دو کامیون و بیش از ده شترگن دشمن را با خدمه آنها از بین ببرند. در جبهه خرمنشیر جانیان نیروی دریایی به آتش دشمن پاسخ دادند و مواضع دشمن در قسمت اشغالی این شهر را زیر آتش سلاحهای خود قرار دادند که در نتیجه تعدادی از افراد ارتش صدام کشته و زخمی شدند.

نیروهای ژاندارمری در عملیات روز پانزدهم اسفندماه در یکراز جبهه‌های ایلام، ضمن دفع حمله و پیشروی نیروهای عراقی، ۵ نفر از نیروهای دشمن را کشتند و عده‌ای از آنها را نیز مجروح کردند. در این عملیات زخمی‌شدگان ژاندارمری موفق شدند چهارده سنگر اجتماعی و انفرادی، دو سنگر تیربار دشمن را با خدمه مربوطه را منهدم کنند. ضمناً در عملیات روز ۱۵ اسفندماه در تمامی جبهه‌های تیردچارتن از دلوران نیروی زمینی و یک تن از نیروی دریایی برآتش دشمن به شهادت رسیدند.

روز ۱۶ اسفند ماه نیز چهار نفر از افراد عراقی خود را به یکان ژاندارمری تبریز معرفی و تقاضای پناهندگی کردند.